

کنگره ما گامی بسوی حزب

کارگر
کمونیست



اولان انقلاب ایران کمونیست

۵۰ ریال

دیماه ۱۳۶۱

چرا مجاهدین از تشکیل حزب کمونیست می رنجند؟

دینی است که جزوای باعدوان * جمع بندی
یکساله * مقاومت مسلحانه * از طرف سازمان
مجاهدین خلق مستقر شده است * این جزوه که
تلاقی است از عناصر صوری مجاهدین برای توجیه
و تئوریزه کردن حرکت یکساله * تقریباً ۱۰۰ تا
نهمه ماه ۶۱۱ سازمان نکات مهمی است راجع به
اهداف سازمان مجاهدین * اثبات تئوری آن * جدا
شدن از * عضو * بر خورد مجاهدین با چاپس
سروها در * حاسر * و * سازمانی تا کمیکی دیگر
مرد وجود همین سازمانی بر این جزوه گامی بود
تا نحوه کارگران و کمونیستها را بهود معلوم
کند * اما طرح مسائل متعدد در این جزوه * نکاتی
که در آن سازمان گذشته نیست بلکه نگاه به
آینده دارد * و هم بر موردی تا کمونیسم سازمان
مجاهدین با آن نشان میدهد که جزوه * مدکور را
می بایست بعنوان ملاحظه تاریخی که همین هویت
مجاهدین در این مرحله * حیات آنست مد نظر گرفت *
بقیه در صفحه ۸

کنگره ما فایده کلهه حل مسائلی را که پیش
از یکسال و نیم همه ما را خود تصور کرده بود
ند نشان داد * تعداد تعویب برنامه انحصار
مبارزان کمونیست در فروردین ۶۰ و لغو تبلیغ
و ترویج برنامه وسیع و سازماندهی * خون
برنامه و ویلور کثیر بر اینک پیش بر برنامه
در دستور کارمان قرار گرفت * تعاضب مسائل
اهداف و ولایت مطرح شده بر برنامه از یکسو
و از سوی دیگر * هیوه های رایج * آر میانی که ما
بعون هیچگونه نقدی از جنبش چپ ایران اهدا
کرده بودیم * سرعت همان حد و سهواً * آن
انتقادهای مدعی * گوشه های مختلف فعالیت
مدلی ما آماز گشت * بقیه در صفحه ۳

پیشروانمون

ضربات اخیر رژیم به نیروهای برنامه حزب

وحشت رژیم از چیست؟

در صفحه ۲۸

مصاحبه با

رفیق فرهاد بشارت عضو

تشکیلات هواداران ا.م.ک در خارج کشور

در صفحه ۱۴

پیش بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!



۱۱/۱۰/۱۹۷۱ شماره ۵۰۰

اگر چه روح کار ما نیروی عظیمی است که در درجات زیادی در عرصه‌های مختلف فعالیت یافته‌اند و اگر چه از همان ابتدا میدانیم که برای داشتن تشکیلات و برای سازماندهی عزم قدرتی لازم است، لیکن ما این تصور را در ابتدا نکرده بودیم - تمیزاتی که در این مدت بطور سزا در اختیار ما - همه‌جای مختلف فعالیت‌های ما حاصل شد - ما را یادآور شدی از سنک کار رایج بود - ما از جنبه‌های علمی که نامرتبی‌ها را در عمل اثبات شده بود - آمله گرفتیم و روحیاتی را ایجاد کردیم که عملی تر و با وظائف ما سازگار تر می‌نظر می‌شدند - ما هنوز آن اصولی را که بر ما در هر روشی می‌تواند محض هر جنبه علمی را - نه فقط جنبه‌های تقسیم رایج بلکه آن‌ها را - آنها را می‌تواند نقد می‌تواند نقد جنبه‌های علمی را تا جزئی ترین سطوح کار انفرادی به پیش برسد - بهما سگ کرده بودیم - ما هنوز به آن تصویری مجهز نشده بودیم که به آنکا - آن می‌توانیم سنک کار کمونیستی را متعلق به خود کنیم - نقد می‌ماند - ما باید می‌بود - ما هرگز نکردیم - ما هر خود را بر مبنای گرفتیم و بدون تر نظر گرفتیم - ارتباط آن با سایر مملکت‌های تشکیلاتی در اصلاح آمد داشتیم

کنگره - عاقبت این مسئله را حل کرد - کنگره ما روح واحد و جوهر عمومی همه روحیای علمی ما - یعنی جوهر عمومی همه جنبه‌های رایج کنای تشکیلاتی در حوض کمونیستی ایران را بهسزای کفایت و توان داد که همه این جنبه‌ها ما همگی متعلق به طبقه ای دیگر متعلق به عسکره - بورژوازی است - ما عیب میدانیم که محتوای تبلیغ و ترویج یعنی محتوای آموزش و ترویجی که تحت نام کمونیسم ده سال بر حوض ما

همه از می خورداد و از مکتبی مزج عظیم بود - رژیم - یعنی ما جمع شدن فعالیت انقلابی و باز - گفت شرایط معمولی اختلافه این واقعیت - بهما از بیجا آغاز شد که فعالیت ما به کمونیست عموماً با کار دیگر کمونیستی که علمی - الفیاده بر همین شرایط معمولی باید بطور مستمر انجام گیرد - تفاوتی با المثل اگر قرار است یک فعالیت کمونیست ما تعداد هر چه بیشتر از کارگران می‌تواند ما به ما بعد تا بتواند سترا آنها را آموزش و سازمان دهد - غیر ممکن است بتواند بهمان شکلی یعنی کاری کند که هر یک را می‌تواند - نمی‌تواند هیچ چیز عموماً بود را بهیچانیم و هم از نزدیک توجه علمی را سازماندهی کنیم - نمی‌تواند بهمان عسکره از روی موتور سیکلت - یعنی ما نزدیک انقلاب به این سو - آنسو بی‌تواند و انتظار داشتند ما غم که همچنان برقرار می‌تواند و متشکل شود و طبقه‌های کمونیستی ما روزه کند - معلوم بود که آن تشکیلاتی که افراد را برای اجرای همین نوع عملیات عسکرانه می‌تواند می‌تواند می‌تواند در این وقت نمی‌تواند کارگران را به خود جلب کند - در میان کارگران گسترش باید - ضرورت آنگاه که در کارگران و کارما زمان - نمی‌تواند آنها - می‌تواند تا نقلی نصیبی بود که سرعت به بهیچ بودن و خطا بودن می‌تواند - های کارما می‌تواند بهیچ و سرعت دست یکسار تمیز دانی آنها می‌تواند - در واقع در عرصه یکسال و نیم گذشته در کارما کم تا تحت و تاسا پامس و حزب الله - ما بعد در هر حال مشکلات مربوط به یک کار در تمیز روحی - بعد از سازمان و آموزش جنبه‌های جدید بودیم



بوده است ؟

کنگره به این سوال با قاطعیت پاسخ منفی داد. کنگره به ما نشان داد که اگر چه خودمان نظریه انقلاب سوسیالیستی و انقلاب دمکراتیک و همگانی را هرگز با یکدیگر اشتباه نکرده ایم و تمایز آنها را از همان زمان انتشار "خطوط عمده" درک میکرده ایم، اما آنجا که باید میان ما و آنها یعنی عمل انقلابی گناخته ایم زیرا مسئله این تفاوت عمل انقلابی کمونیستی و عمل انقلابی پوپولیستها را از هم تمیز ندهیم و این هر دو را یکی فرض کرده ایم. به عبارت دیگر علمبرم آنکه اهداف طبقاتی خود را در برنامه تصریح کرده ایم، آنجا که دست بکار ما یعنی نیروها و مبارزه عملی عده ای هم تفکلاتی ساخته. این ولعناهی کرده ایم که هدف ما پیروزی انقلاب دمکراتیک جامعه میساقفه است. ما عمل انقلابی را همان عملی دانسته ایم که از ما زمانهای پوپولیست سر میزده است. ما زمان ما هم که همی از بهترین کمونیستها را در پیرو میگردانیم و بر ما میگویند که ما در مسئله سازمان کاسی بودند که صبح تا شب رنجی تا صبح تا شب میگردانیم کارگران را برای پیروزی همین انقلابیهای سوسیالیستی و همگانی و انتشار جمهوری دمکراتیک بسج کشند و به حرکت فر آورند. اما لیت ما به فعالیت برای پیروزی همین انقلاب منصر عده بود و ما آخرین افراد راه به همین منظور ما زمان میدادیم اما عمل انقلابی را یعنی شرکت فعال در همین انقلاب همگانی و درک میکرده ایم. انقلابیگری همگانی

ما کم بوده است. هر چه بورژوازی است. ما از هر نوشته و مقاله و اعلامیه سازمانهای پوپولیستی بر احتی میخوانستیم نشان دهیم که آنها برای دیکتاتور پوپولناریا مبارزه نمی کنند. برای العالم مالکیت خصوصی مبارزه نمی کنند. دعوای آنها مصلحتا با دولت و رژیم و در بهترین حالت بر سر انتشار دمکراسی است! آنها دمکراسی نمی بیند و محدودی که حتی هیچ تضمینی برای بقا ندارد. ما آنها را میدانستیم اما این بر ما نشان کفلی تازه بود که به نقاط حتمی اعلامیه های آنها بلکه حتی شکل و مضمون آنها در پیرو کردن اعلامیه هایمان هم عیوه ای پوپولیستی است و خلقتی هر چه بورژوازی دارد. و نه تنها عیوه های آنها در پیرو اعلامیه ها و فرمانها بلکه در همه پیوه کار روزمره تفکلاتی و عملی هم از جلد و سازماندهی و صوگری و معنی کاری که کار میبار شده ها و تبلیغ مفاهیم ترویه و ارتباطات بیرون تفکلاتی و رهبری ... همه و همه عیوه ها است که با ما پیگری آنها به ما محدودترین مبارزه آنها به مبارزه ای ضد دولتی و با عدم اعتقاد دوانگی آنها به نیروی حرکت انقلاب با محدود ما آخرین آرزوهای آنان به پیروزی همین انقلاب همگانی ... تناسب دارد. کنگره این جوهر طبقاتی علمی را هیچ فر جنبش کمونیستی ما را نشان داد.

اما آنها ما میگویند که اتخاذ شدن این عیوه ها توسط تشکیلات خودمان را به حساب نماند بگذاریم. آنها تمیاله روی مادر اتقان این روشها و سس مبارزه پوپولیستی انتقاسی

چاره و نخبگان وحدت و تشکیلات است



انقلابیگری ماهیخته بود. ما از یاد برده بودیم که فلسفه مشکل شدن ماهیخته و حوینت کیهانات کمونیستی سازماندهی انقلاب اجتماعی پرولدا را است. ما از عوفی کوفه بودیم که وقتی ما برای پاسخ گویی به نیازهای مبارزه طبقه کارگر در راه ساختن دولت کمونیست و برای ایجاد کل نظام سرمایه دار و ربحی سوسالیم مشکل شویم یک مشکل کمونیستی ساخته ایم. تکلی که کمونیست کردن کارگران و مشکل کردن پویشگان کمونیست طبقه کارگر و طبقه زمین نا پذیر و دائمی است. تا اکیل میبندد.

مشکل پرولونیستی که ما به تک تک شیوه هاییش انتقاد و اعانه بودیم بهترین حالت است. ابزاری برای بشهر رساندن بله خنده همگان است. وقتش به گذشته تشکیلات خودمان بهشت است. یک سازمان نگاه میکنیم میبینیم که آنها در اصل جز این نبوده است. ما من تویست کمونیستها هم اگر چنین سازمانی بسازند تشکیلاتی پویولونیستی ساخته اند نه چیزی بیشتر.

برای تشکیلات ما تربیت کمونیستی کارگران و تبلیغ و ترویج صفر کمونیسم تبدیل کردن به فردترین کارگران به سازمان سوسالیم و سازمانی این همه است و نظامی مربوط به اینکه تبدیل شده بود. با این حساب سازمان ما در واقع کمونیست بودن خود و شرط اصلی پیروزی همین انقلاب را هم میفرماید. و بی سبب بود. شرط پیروزی انقلاب دیگران است که این سازمان وجود بشری و سعی از کارگران آگاه به منافع تاریخی و طبقاتی خود است که بالطبع در سازمان زبانی خود هم مشکل باشند ما افراد برنامه مان گفته ایم اما این به عملکرد هر روز ما ناچار نبوده است.

اگر آینده از اعمالهای هر روز تغییرات خود را که به اعتبار حرکت در انقلاب دیگران است. حاضر انجام میدهد ندهنده میگردد. هیچ فعالیت دیگری و هیچ فعالیت ما هینا کمونیستی ای باقی نمی ماند که اعتبار آن بتوانیم ایجاد کنیم که این یک مشکل کمونیستی است که دارد برای هر روزی انقلابی دیگران است. مبارزه میکنند نه یک سازمان از انقلابیون دیگران است. ما یک تکلی که فعالیت کمونیستی با اعتبار خود عملی انقلابی است. سازماندهی کارگران برای انقلاب سوسالیمت لمر عاجل و امروزی است و ما به اعتبار انجام این وظیفه به انقلابی کمونیست خواهیم بود. ما انقلابیگری خود را فاسخ انقلابیگری کرده سوز و آزی تفویض کرده بودیم.

اگر قرار باشد ما را از عملکردمان و از اعمالمان بر طبق مان تفاوت کند ما هم پویولونیست بوده ایم و از حقی برانتهای پویولونیستی هم تبعیت کرده ایم.

به کمونیستها هیچ مزه ای از این بهتر که ام. ک هم لمر عملی پویولونیست بوده است پس عدد را نمیبندیم. جای نمیبندیم آن زمان بود که واقعا حاصل چهار سال فعالیت و انحصار کمونیستی ما در میان کارگران این باشد که امروز شاهدیم.

نقد رینه ای و مارکستی کلگسره از براتناک ام. ک در گذشته ما را متوجه این نکته ساخت که تفاوت ما با روزه پویولونیستها و سایر نیروها و احزاب سرمایه یک تفاوت نظری است. همانطور که آثار رینه ای و سنیگا کمونیستها و پارلمانار رینه ای و دیگران علاوه بر اعتقادشان بر این عمل خود را دارند که در نظر هر



فاخری آنها را از يك = قمار = جلو می‌دهد و کمونیست‌ها هم حاضر سخفای ویژه خود هستند. خصیاتی که تیلور نوام کارآئی آن عبودیت‌هاست اینست که آنها امکان داده است کار همیشگی و تعطیل ناپذیر کمونیستی در طوسی سالیان دراز در اوضاع و احوال کسما ملا ستاوت بدرستی به پیش رود.

وقتی به بلنویکها نگاه میکنیم میبینیم کارآئی را کمونیست کرس کارگران قرار داده اند، همین وجه خاصی دارند؛ هر کارگر روز حتمتگی آدمی با عفا بد و چهار سینی خود بازند - حتی در بارلمان موروزواری هم با معنای بلند بی هیچ برده پوش عفا بد کمونیستی خود را میسازان میکنند. فعالیت دانشی آنها بیرون آگسها کرده کارگران و نشان دادن راه نجات به بی انقلابیست یعنی ناپذیر و نامحدود است. هر شماره ای هدایت را عرضه کردن کارگران نیست کسب قدرت سیاسی و اقتصادی دنیا شور و پروتشار را میسازد. عموم آمان حتی رهبران مغزی حزب در نزد کارگران شناخته شده است و از احترام و نفوذ واقعی برخوردارند. آنها با به هر جا که میگردند تفرقه و تشتت را فریب میدارند و کارگران را مشکل نرواگها فر میکنند. وقتی در نظر بگیریم که ایس و لگات دانشی آنها هم در شرایط آزادی و هم در طول دورانهای محفل و سرکوب بدون وجود انجام میدهند - وقتی در نظر بگیریم که این کارها را کارگران ساده ای انجام میداده اند که علی القاعده کم سواد و محروم بوده اند، سه شخص در دوره دیده به اهمیت و نفوذ

سیاهی مبارزاتی حاکم بر فعالیت آنها بی سیریم. سنی که عسراء با عفا بد بلنویکها اغاعه میافتد و بعد کارگر آگها میسازد که چگونه همسان بلنویکها مبارزه کند. ماه ما بد روحهای خود را از رفقای خود از بلنویکها یاد بگیریم نه از روسیونیتها از زمان خود آنها نه فقط تنورهای ما بلکه سن و نحوه های کار کمونیستی را هم معرفی و شرح کرده اند.

ما رکنگره به این نقطه رسیدیم که فعالیت دانشی و معادگی برای تبدیل کرس کارگران به کارگرانی آگاه یعنی کارگرانی کمونیست و مشکل کردن بلاولفها کارگران در هر طوسی برای نفوذ سفوف آنها در مطالب موروزواری و پای بند بودن به سن و نحوه های کمونیستی خود جزئی از هویت کمونیست‌هاست. یعنی کسی که ناقص در حال کمونیست کرس کارگران نباشد و اینکار را با عبودیت های عقلی منطبق با اصول کمونیستی انجام ندهد نباید نامید. هر چه کمونیست نیست - حتی اگر عد با به عفا بد تمام کمونیست‌ها دست بد دهد. به این ترتیب کنگره ما با روسین کرسیم و چون نمای کمونیستها از ما برین بنا ارائه دادن این درک جدید از مفهوم کمونیست و با معین کرس هویت کمونیستها آخرین مواج راه تشکیل حزب را از میان برداشت. حزب را از آن موجود دست نهافتنی آسمانی که در حاله ای از نفس مغزی پیچیده شده بود بهروز آورد و آن تصویر ما نیز یکی در اوج حزب را در هم شکست.



بشکل حوزه‌های حزبی متشکل شوید و وظایف آنها را از هم اکنون بنهاده بگیرید.



حزب کمونیست و سازمان کمونیستهاست -
 حزب کمونیست ابزار متحقق ساختن اهداف و
 سیاست های کمونیستی است - کمونیستها هم
 متشکل میشوند تا بتوانند آن ولایتی را که
 همگیمان بصیغه دارند همچون ننی واحد بملور
 متفرک و متفک انعام دهند - حزب تفکک
 آنهاست - حزب کمونیست یک جریان زنده و متفکک
 است که حامل واقعیت زندگی و عبادت و سنن
 فعالیت کمونیستی در میان کارگران است -
 اکنون دیگر خوب میدانیم که چرا وحدت
 سازمانهای کفونی متعلق به جریان برنامهدار
 حزب کمونیست است - ما اکنون بی اعتباری
 سخن کسانی را که حزب را در گردن میزنند
 و جمع و توده ای در میان کارگران میدانند بهتر
 از هر زمان دیگر درک میکنیم و پتراض و فرویت دیگر
 میدانیم که چرا اصولا چنین نفودی نمیتواند
 مقدم بر خود حزب وجود داشته باشد - کنگره
 نشان داده است که چگونه گشتن از عیوه های
 پوپولیستی فعالیت نیز خود به شرط احراز
 هویت کمونیستی است - حزب کمونیست بی تردید
 سازمانی متفاوت و متمایز از سازمانهای
 موجود است - حزب کمونیستی دیگر است نه آرایش
 دیگر حزب کمونیست قبل از اینکه یک تفککلات
 سراسری و بی زلند باشد یک فرقه سیاسی است
 که افراد آن هم در عبادت هم در عسقل و
 فعالیت مبارزاتی تابع اصول و سنن واحدند -
 همین در همه حاد دنیا حزب را همیانهنگانی
 از این فرقه جهانی بمان گذاشته اند - در
 ایران نیز امروز تفککک حزب کمونیست در گرو
 متشکل شدن کسانی است که هویت عملی کمونیستی
 خود را با زینتخته اند و تفاوت کفنی تفککلهای
 موجود را با یک حزب کمونیست در سافتند و
 معمم اند تا این سازمان نیست و این کفلیست

نویسن را ایجاد کنند - سازمانی که وابسته
 دانش خود را سازماندهی طبقه کارگر و رهبری
 آن برای کف قدرت و انعام انقلاب اجتماعی
 پرولتاریا قرار میدهند به پتراض و
 کارگران نیز نحوه انعام این طبقه دانشی
 را می آموزد و آنها را در صفوف خود متفکک
 میکند - حزبی که این طبقه دانشی خود را تحت
 الشعاع هیچ نقض دیگری قرار نمیدهد - حزب
 کمونیست ایران نمازمدگارهای کمونیستی
 است که آنها عملا بمان گذارند - کسانی که
 تشکیل حزب را میرترین طبقه خود میدانند
 نمید خود به تحقق این هدف طبقاتی را مالوی
 همه تعهدات دیگر خود میدهند و بمان دارند که
 نا انعاذ عیوه ها و سنن کار کمونیستی از جانب
 حزبی که اینچنین ایجاد میگردد، تعولی کفلی
 در جنبش کمونیستی و پتراض و سنن در قدرت باسی
 کارگران موقوف خواهد بود -
 این حزب باید تشکیل شود - این آرزوی
 پتراض پرولتاریای ایران باید تحقق یابد -
 بدون شک حتمی ماکه راهی بر فراز و نشیب را
 تا لحظه حاضر طی کرده است این تنها زرادت
 خواهد گردید آن باسخ خواهد داد - طولی
 نخواهد کشید که حزب کمونیست ایران حزبی
 لخصی که در برهانه های رویز و پنجم سنس
 میشود موجود بخت خود را رسا و علنا اعلام کند -
 حزب ما بزودی متولد خواهد شد اما آرزوی
 تولد ولایتی خطیر بصد خواهد داشت -
 د شواری شراها مبارزه و ویژگی های مبارزه
 طبقاتی و وضعیت عمومی طبقه کارگر ایران بسر
 هیچکس پتوده نیست - بنا بر این مانه فقط
 ایجاد حزب - بلکه تداوم موجودیت و موفقیت آن
 در باحکونی به مسائل حاد مبارزه پرولتاریا
 در شرایط کنونی را خواستاریم - از پتراض و



عمومی از وضعیت کمونی در شرایط هر سال
عین ماهیت همه نیروهای ابرویسمون غیر
پرولتریه اتحاد نموده های عملی بلشویکی
نویط کمونیستها سرعت میشوند جنب
کمونیستی را بیک جنبش پرولتره در میان طبقه
کارگر تبدیل کند. کلید ایجاد چنین تحولی نه
فقط تشکیل عملی حزب کمونیست و اعلام
موجودیت آن بلکه پیوستن ماسوی و عملی
فعالین جنبش ما به حزب کمونیست و جاگیر
عین جنب کمونیستی در میان آنها و در میان
افکار بهترین کارگران است.

عسرو ناو

کارگران جهان متحد شوید!



قطبنامه ها و اسناد

شماره اول

اتحاد مبارزان کمونیست

شهریور - مهر ۶۱

را بخوانند

ما با شما در حزب از هم اکنون همه فعالین
عین و تشکلهای آنان را به گستن از جنبش و
روپای هرده مورزواشی وانعاد جنبش پرولتری
کمونیستی و جنبش را میخواهیم ما از آنها میخواهیم
که فعالیت نا کمونیست خود را ماز جنبش و نقد کنند و
فعالیت کمونیستی و جنبه های کمونیستی را در
دستور کار خود قرار دهند. ما میخواهیم که
مثل بلشویکها فعالیت کنند و بدانند که دور
انفاجری آمرین مورات هرده بورژوازی و گستن
از آمرین زنجیره های ریه پیوستیم در گستر
ایجاد حزب نیست. و بدانند که کار بیسوده
کمونیستی را همانند یک عنصر حزبی و طبقه ای
تشکلهائی نیست که خوب باشد به آنها حول کنند
این حزبی از تعریف و هویت کمونیستی آنها است
نیزهای مربوط به یک کار که همراه با سایر
محویات گنگره ما منتشر شده است به هر که
ما زبانی شده های اصولی به همه فعالین
کمونیست کمک خواهد کرد.

ما بعد روپهای گدغه وانعاد عملی
روپهای فعالیت کمونیستی از سوی فعالین و
طرفداران برنامه حزب در سراسر ایران جریانی
در میان طبقه کارگر ایران موجود می آید که
سرعت رشد میکند سرعت بسیار پیوستند و
سرعت قدرت میگردد. چرا که کارگران از همه
چیز آن استقبال خواهند کرده از مفاصله از
اهدافه از اصولی که برده از جنبه کار
مندان و از تعلق همه جانبه از به خودشان
یک تعدادیم که در شرایط قدرت و انزجار

زنده بمان سوسیالیسم!



ادامه

چرا مجاهدین از ...

مطالعه این جزوه به همه کارگران و کوهنشینان به اهمیت لیبرالی و ضد دموکراتیک مجاهدین را دقت بخواند. ناسازدگی آنان با کارگران و دهقانان مشاهده می شود. پیوسته سیاسی و نظامی و سیاستهای مهم و چند پهلوی سازشکاری و تسکین به برزوازی توسط این سازمان ها و وظایف تاریخی خود را در پیگیری انقلاب دموکراتیک و سبب دموکراسی افلاک تحت پرچم برپا شده اند. اقل حزب کوهنشین دریا است. همچنین مطالعه این جزوه به کسانی که برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک مبارزه می کنند بسیار خواهد داد که در حقیقت آرمانهای آنها تنها در پرتو رهبری پرولتاریای آگاه و حزب کوهنشینان و نهادهای پرچم برنامہ حد اقل حزب کوهنشین منکر میگردد.

نظر به اهمیت این جزوه است که ما خواهیم نوشتید در شماره های مختلف کارگر کوهنشین مسائل گوناگون طرح شد. در آن را بررسی کنیم و ببینیم خوانندگان خود لیک کیم تا معنای حقیقی دعاوی مجاهدین را دریابند.



تصویب و انتشار "برنامه حزب کوهنشین" در کنگره سوم کومله نمی توانست موجب وضعگیری های خصمانه و ناآرامی و تحقیر و اتهام از جانب نیروهای سیاسی مختلف و پیروان پیوسته جمهوری اسلامی نشود. این به این خاطر بود که:

۱- برنامه حزب کوهنشین مشابه کفرخواست پرولتاریای آگاه کومله آل نظام سرپا بندی و انفکاک اهداف سازل و اصلاح طلبان و لیبرالی تاسی آن

نیروهای است که تا آن بقطع توانسته بود نقیض اهداف واقعی خود را در پشت عبارت پردازیم. "حلق" و "دموکراتیک و ضد امپریالیستی" و "بنام خلق" و "مبارزه" حلقی پنهان سازند. برنامه حزب کوهنشین با ارائه تصویر ذهنی و روشنی از هدفی نهایی پرولتاریا - صومالیسم - در ضدیت با انواع تحریکات آن و با ارائه پیکرانه ترین دموکراسی - سند استقلال پرولتاریا - سیاسی طبقه کارگر است که دیگر به هیچ طبقه و به هیچ نیروی سیاسی اجازه نمی دهد تا با تحریف اهداف طبقه کارگر با تئوری پردازیهایی رنگارنگ با توکل - ویژگیهای خاص ایران و کارگر ایرانی - اورا بفریبند و برگرداند او سوار شود.

ثانی - انتشار این برنامه بهانه یک برنامه حزبی و نه ملی المثل برنامه این با آن سازمان محین و بین هم طرفداران این برنامه برای تشکیل فاجح یک حزب کوهنشین لیبلی و یک حزب بلشویک است. حزبی که وظیفه دارد تمامی کارگران آگاه را در برابر تاسی احزاب بورژوا و خرده بورژوا سازمان دهد و رهبری کند.

ثالث - این برنامه در کنگره سازمانی به تصویب رسید که هیچ نیروی سیاسی جدی نمی توانست به سرنگونی آن اهداف و مسیر حرکتی اعتراض باشد. کومله یک محفل روشنگری نیست. کومله سازمان فاضلی که تصادم با گرد هم آمدن نیست. کومله یک سازمان وسیع با دانش حمایت پلیونی و تاریخچه ای روشن و اراده ای پولادین است که نمی توان آنرا با مارکهای "روشنگر جد از عمل" و "مواد اران نیمه راه خلقی" () تخطئه کرد. تصویب "برنامه حزب کوهنشین" در کنگره سوم کومله بهائنگر اینست که امروز کوهنشین در ایران دیگر یک مجموعه فکری و رادیکال نیست بلکه یک نیروی وسیع اجتماعی است. جزوه "جمع بندی پنهانی"



عاجز و بیسلاحه - نشان می دهد که سازمان
مجاهدین هم بجز نیروهایی است که از انتشار
" برنامه حزب کمونیست " رنجیده است و تلاشها
برای ساختن حزب کمونیست را محو فرزند اردو - دستور
اول و فرماندهن عالی میانس - نظامی سازمان
مجاهدین خلق ایران () باید آینده مستمندان
جهان () در طی گزارش متصل خود مشخصا در
دو مورد کوشیده است موضع خصمانه خود را بجهت
انتقام بر حزب و تشدید و نیز برخورد بد با لاریان
تجزیه مجاهدین در هم بیاورد. گوش کنید :

" نظامی حزب در دوستان عزیز! روح پاک ملت
مانین نیست که با همدل و بیستون حرکت کند
روح و خصمانه بجزه جامعه پاراکمپا () پهنسی
ما کمونیستها () نه) و شعارهای ضد انقلاب
ما تعیین نمی کند و بد حرکت در نمی آورد - آری
تجربه رفت بار و دعاوی بلاغت بسیار و بیسلاحه
اپوزیسیونهای چپ نما (۱۰۰۰) کافی نیست؟ در
سال پیش آنها هم مثل امروز ما دچار سوتفاهات
زادی بودند . نتیجه فکر میگردند که ساینده کسی
بلافاصله پرولتاریای ایران را حاکم گردیدند . فکر
میگردند که هر چه زودتر و بهتر باید حزب
کمونیست ایران را تاسیس کنند - مگر می گردند که
خود پروژوری پرولتاریا عدو () مثر میگردند
تجربه رفت بار () دعاوی بلاغت بار () دمسازی
بمساحت () تشکیل هر چه زودتر و بهتر حزب کمونیست
بلکه سو تفاهم است!

اما چنین حلافتن و چنین آزادانه و بی هیچ
فکروندی دهان باز کردن نشان می دهد که رهبری
سازمان مجاهدین دچار سو تفاهم نیست بلکه

برگردد فیصلا مسئله را فهم کرده است: رهبری
مجاهدین می دانند و میفهمند که اکنون تشکیل حزب
کمونیست امری جدی است . میفهمند که تشکیل حزب
کمونیست به نفع آنان نیست . میفهمند که یک حزب
کمونیست بلغریکی مانعی جدی در راه تحقق هدف
تغذیه آرمانهای پرولتاریا و انقلاب است . میفهمند
که یک حزب کمونیست نهایی اجازه نخواهد داد
مجاهدین و همکاران را ابزار بی اراده
سیاستهای اصلاح طلبانه خود سازند . مجاهدین
این را میفهمند کارگران نیز باید آترا بفهمند .

آقای رجوی اینرا میدانند که نیروهایی که امروز
برای تشکیل حزب کمونیست ایران هم جزم کرده اند
نه در اداه " اپوزیسیونهای چپ نما " (زبان قابل
مهم یعنی پرولیتشیها) بلکه در جواره طیفه انسان
رشد یافته اند . اینرا می دانند که برنامه حزب
کمونیست نه حاصل رشد نظری " اپوزیسیونهای
چپ نما " بلکه چنگه یک جایزه پروژیزم طیفه انسان
است - اینرا می دانند که " اپوزیسیونهای چپ نما "
- می که چنین مورد طعن و لعن ایشان هستند در
عمل نشان دادند که در اهداف و نیروها هیچ
تفاوت جدی با مجاهدین ندارند . هیچگاه هیچ
و روشن مدافع سوسیالیسم نبودند و به علاوه
سوسیالیسم مورد نظر آنها چیزی جز " جامعه
بی طبقه توحیدی " مجاهدین نبود . است و در سفت
جهان راضی که مجاهدین از ایده " جامعه
بی طبقه توحیدی " دست می کشند ، آنها هم به
" سوسیالیسم " خودشان پشت می کنند . آقای
رجوی آنها را می دانند . میفهمند و انگار می کند .
انرا گریز است بجای پرداختن به این خطا

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی ایران!



نمانند، اجتهاد باورها و عقاید خود بشود البته هیچ اشکالی ندارد، حق نجات و نجاتی مانند همه، تحولات سیاسی دیگر به شرط پای بندی به آزادی و استقلال ایران از همه آزادیهای مکرر است برای حکم زدن خودتان و عقایدتان نیز برخوردار شوید...

اگر در این کشور حد بدین محار بود، گاهی طومان خنده سراسر آن را فرا می گرفت در میان این همه وقایع غیر انگیز گاهی اتفاقات مضحک هم می افتد - در روز حسین روحانی - مجاهد مارکسیست سابق - از تلویزیون جمهوری اسلامی حکم با سلامی بودن این رژیم می دهد و امروز آقاسای رحیمی - مجاهد بود - داور این شده است که چه کسی پیروز کائوشکی است و برنده است و چه کسی "اقلاب خلف مارکس و لنین" ! در روز حسین روحانی حکم به "مردمی" بودن رژیم جمهوری اسلامی می داد امروز آقای رحیمی می خواهد قضایت کند که چه کسی و چه نیرویی نماینده پرولتاریاست!

ما باین تر - بدون اینکه از این دعا بشویم که چه کسی نماینده می چون و چرا می خواند تناوی و تمالی در روی کره ارض است! - به این نکته خواهیم پرداخت که چه کسی مدافع مافوق پرولتاریاست و چرا برنامه حزب کمونیست سبکسر اهدای و آرمیهای طبقه کارگر است. اما اجازه دهید ابتدا به این نکته بپردازیم که چرا آقای رحیمی از کمونیستهای ایران رنجیده است؟ چرا عزم انقلابیون کمونیست برای تشکیل حزب کمونیست ایران از نظریه‌ها یک "موتفاهم" است؟

مجاهدین از فکر تشکیل حزب کمونیست رنجیده اند زیرا:

یک - مجاهدین مانند تمام خرده بورژواهای جهان از استقلال طبقاتی طبقه کارگر می هراسند، سرمایه داری آن نظامی است که نیروی محرکه آن

صمیمیت ناشی از ضعف خود را در پشت سبلس از دشمنانها مخفی سازد. اما مسئله به هنگامی و انتیام محدود نشود. مجاهدین خلق از هم اکنون مژده می دهند که در حکومت آنها با کمونیستها آن هنگام آزاد خواهیم بود و تا آنجا آزاد خواهیم بود که اولاً پذیرفته باشیم چنین حکومتی یک رژیم آزاد و دموکراتیک است نه تنها "آزادی" مورد نظر ایشان پای بند باشیم.

"کمند یکی از گروهها انتقادانی به سورا و برشاه دولت بوقت کرده و در همین روز یک سری حرفها... البته باز هم مثا مغانه (یا عو شخانه) از موضع پرولتاریا و با کتار سوسپالیسم! باز هم برام روشن نیست که این سری آقایان چطوری می خواهند با خلاصی کردن تنها آژانتهای دموکراتیک در این مرحله به سوسپالیسم برسند. در هر حال چنین دامه های دارای چنان اهمیتی نیست و آثار چندان هم در دل پرورده مبارزانی ما برآنان ضرب نخواهد بود. فقط حسن اینکه سپهانه آرزو می کند که همه آقایان فی الواقع به سطح فکر و میل شایسته سوسپالیسم (البته نه سوسپالیسم بل پستی ارتقا پاینده عرض می کنم اگر قرار بود ما (مجاهدین) بدون دلیل و جهت اجتماعی و علمی باور کنیم که هر کسی پاد در گلو انداخت و از موضع باسطلاح پرولتاریا حرف زد نماینده واقعی طبقه کارگر ایران است به همین ترتیب باید محضی را نیز نماینده می چون و چرا می خدا در روی کره ارض و حزب شود. را هم نواده خلف مارکس و لنین می شناختیم. اما تیار به تلخ هر دو نظام ما آموخته است که به این خوشبآوری نگاهیم و به همین دلیل پیوسته هوشیارتر از آن بودیم که تخم و ترکمه کائوشکی برود - منجمله دولتمردهای شورومای و اکثریتی - را با اقلاب خلف بزرگاس همچون مارکس و لنین اشتباه بگیریم. تا آنجا که شما می خواهید



مبارزه طبقاتی طبقه کارگر طبقه کل پرورازی است. در چنین نظامی همواره یک فئودال جانشین وجود دارد که به تبع برتری خاص خود بین این دو طبقه نوسان می کند. از یکسو توسط سرمایه بزرگ به پرولتاری و نابودی می دهد به بهبود بازسوی دیگر خود در حفظ نظام سرمایه داری و تمدن استعمار طبقه کارگر دنیغ است. به این خاطر خود پرورازی حاضر است به یک مبارزه سیاسی طبقه زمینهای سرمایه داری دست بزند بطرفی که چنین مبارزه ای تمام نظام سرمایه داری را ختلاهی نکند یعنی به طرفی که خود چهار چنین مبارزه ای را در دست داشته باشد. از این جهت که وقتی طبقه کارگر مصمم می شود خود مستقل و بر طبقه کل نظام سرمایه داری مبارزه کند با حد خود پرورازی برخورد میکند. با وجود این هر قدر می دهند که این مبارزه "چپ روانه" است که هنگام مبارزه برای نابودی سرمایه داری واستقرار سوسیالیسم فرا نرسیده است که چنین مبارزه ای خنده دار کردن "وحدت خلق" است که چپ به تقدم بر حزب است که زبان تشکیل حزب کمونیست فرا نرسیده است که هم به ساختن حزب کمونیست یک سو نظام است.

پسین دلیل است که از مبارزان (تئوریستین الجزایری) گرفته تا رجوی و از روی دیره تا اندالمان خلق (اقلیت) با تشکیل نیروی حزب کمونیست مخالفتند.

دو در این مقطع تاریخی در بین حادثترین بحران اقتصادی جهانی، تمامی جنبشها و جست و خیزهای مردم پرورازی در سطح جهانی به

هکمت یعنی نتیجه نهایی خود رسیده اند. با این جنبشها بعنوان یک حرکت سیاسی هکمت خورد مانند و با آنگاه که "پرور" شده اند خود مسلط به پاسدار همان روابط تبدیل شده اند که مدعی نبود کرده اند بوده اند از جنگ جهانی سوم سرانجام جنگها در پرولتاری تسایر روابط سرمایه داری در آنکولا پستاه کثوری تحت سلطه امپریالیسم کارنامه پروردگی و سترونی ذاتی این جنبشها در سراسر جهان است. اینکه طبقه کارگر سراسر جهان دارد آماده می شود که به نبرد نهایی طبقه سرمایه داری و امپریالیسم برخورد و در این راه می کوشد گریبان خود را از دست تمامی پرورازها و خود پرورازهای مدعی دوستی با طبقه کارگر رها سازد. طبقه کارگر دارد پروراز که تنها با نیروی خود آزاد می شود و تشکیل حزب کمونیست بر طبقه این آزادی است.

دو نتیجه بین خلق به دست پرورازی می آید. کارگران ایران دارند درک می کنند که چاره بی طبقه توحیدی همان نظام سرمایه داری است که در آن دولت حق ندارد هیچ مالکیتی از سرمایه داران طلب کند، مگر با اجازه شورای بازاریان و کارگران حق ندارند انحصار کنند مگر با اجازه دولت کارگران دارند درک می کنند که "ارتش بی طبقه توحیدی" که فردا آنها را بگلوله خواهد بست همان ارتش پروراز است که ملی و مردمی شده است. دارند درک می کنند که فرهنگهای ارتشی ایران مانند مزی و اورها آن "قتل های مجاهد"

تشکیل مجمع عمومی در فابریک ها باید بدین سنت کارگری تبدیل شود.

پرورزی انقلاب در گرو مبارزه متحد و منسکل کارگران است.



و دیپلمات‌ها و مقامات دولتی همین رژیم‌ها
 همان "مجاهدین برحد" می‌خواستند که گویا قصد
 دارند آنها را از "استعمار" برهاند. کارگران
 آنها را درک نمی‌کنند و این درک خود را با جدایی
 از این سازمان و احتیاطی صریح همان به یک سازمان
 حقیقتاً انقلابی و مستقل در مسائل کمونیستی خود
 نشان می‌دهند.

چهار- اما تشکیل حزب کمونیست در همین حال
 به معنای پایان هر آن جریان‌هایی نیز هست که تا این
 مقطع کوشیده‌اند بنام کمونیسم، مجاهدین خلق را
 انقلابی و دموکرات معرفی کنند و مجزای آنان را
 بگویند تشکیل حزب کمونیست دیگر به مجاهدین
 امکان نخواهد داد تا دوغیسی با یک جریان
 غرورده بورژوازی دیگر را به حساب دموکرات بسودن
 خود بگذرانند و از حفاقت و محدود نگری پرولتاریت
 سرور بچینند.

مجاهدین خلق این نکات را درمی‌یابند و همه
 این دلیل است که تشکیل حزب کمونیست به‌دای آنها
 خودنمی‌آید. کارگران نیز باید همین نکات را
 دریابند و اثر تبلیغ و ترویج کنند و به استقلال
 تشکیل حزب کمونیست بروند. ما در مورد وظایف
 امروز کارگران کمونیست در ساختن حزب کمونیست
 در این نشریه سخن خواهیم گفت.

به نکته دیگر بپردازیم. آیا ما به این دلیل که
 بقول آقای رجوی "باید در کل می‌اندازیم و موضع
 باصطلاح پرولتاریا حرف می‌زنیم، نباید در واقع طبقه
 کارگریم؟" اولین سوالی که در برابر ما قرار می‌گیرد
 اینست که چرا خود مجاهدین "باید در کل
 نمی‌اندازند و از موضع پرولتاریا حرف نمی‌زنند؟"
 پاسخ اینست که مجاهدین اساساً شکر وجود طبقه
 کارگر به‌عنوان یک طبقه مستقل، با شایع مستقل و در
 نهایت با شایع دیگر طبقات هستند. برای مجاهدین
 جامعه به دو بخش "مستضعفین" که مسلمان و

بودند و مستکبرین که از راه خدا منحرف شده‌اند،
 تقسیم می‌شود. اما این یعنی انکار شایع مستقل
 طبقه کارگر شیوه بسیار کهنه، سرپایه داران در طول
 تاریخ سرمایه داری و در تاسی کشورهای سرمایه -
 داری برای سرک کارگران و منحرف کردن مبارزه
 آنان است. هرط اینک یک فرد با یک جریان ناپسند
 پرولتاریا باشد این است که به طبقاتی بودن جامعه
 و به شایع مستقل طبقه کارگر اذعان داشته باشد.

این لفظ هرط لازم است؛ اما کافی نیست. بلکه
 جریان سیاسی تنها هنگامی می‌تواند ناپسند طبقه
 کارگر باشد که بهمان دلایل طبقه سرمایه داری
 مبارزه کند که طبقه کارگر بحکم حقیقت یعنی خود
 بسودان دست می‌زند. برای همان‌هاست
 همه همان شیوه‌هایی مبارزه کند که
 پرولتاریای آگاه به شایع طبقاتی خود مبارزه میکند.

در برنامه حزب کمونیست بورژوازی سرخشانقره
 فلاکت و تنگن گشایی را که به کارگران ضررود نامی
 کرده ایم - ما به کارگران گفته ایم که نظام سرمایه داری
 بنیاد تمام این تنگناست و بی‌التمس باید مجاهدین
 خلق به بخش‌ها را یک فرد به نهد (آگاه یا
 خصمی) ندانسته ایم. ما به کارگران نشان داده ایم
 که استبداد سلطنتی یا خلافت اسلامی نتجه گیر-
 ناپذیر نظام سرمایه داری در این کشور است و همه
 آنها هستند که هر رژیم سرمایه داری بگر
 نیز (مثلاً شورای ملی طاقت) ناگزیر استبدادی
 خواهد بود. ما به کارگران نشان داده ایم که برای
 رسیدن به آزادی و دموکراسی باید طبقه نظام
 سرمایه داری مبارزه کند.

در برنامه حزب کمونیست ما به کارگران نشان
 داده ایم که چرا کسانی که کار می‌کنند هیچ ندارند
 و آنها همی که کار نمی‌کنند صاحب همه چیزند؟
 برنامه حزب کمونیست انتشار طبقه کارگر توسط
 سرمایه داران و ظل آن را لغوی کند و راه رهایی



جهان دارد مشکل می‌شود. آگاه‌ترین و فعال‌ترین کارگران و روزنفعگران انقلابی گرد هم می‌آیند تا سازمان واحد و سراسری کمونیستی، حزب کمونیست را برپا کنند. حتی هیچ چنین سازمانی نیست سرمایه‌داران و تمامی اعیان و انصار آنها را می‌پارزند. بهترین حاضر چنین حزبی - کارگران و روزنفعگران انقلابی - را تیر باران می‌کنند و بر طایفه آن می‌سپارند. می‌کنند و آنها را تعلقه می‌کنند آیا کور خوانده اند!

ما می‌سپاریم! و چهار سال مبارزه ساده طبقاتی و دردی شکسته انگیز آگاهی طبقاتی طبقه کارگر به‌تواند پایان نابد بر چنین حزبی است. این حزب دارد متولد می‌شود!

ن - برتر

رأد یو تصدایا انقلاب ایران

طول موج:

۴ متر برابر با ۷/۳ مگا هرتز

۶ متر برابر با ۶/۴ مگا هرتز

ساعات پخش:

بعد از ظهر - ۱ تا ۱/۴ بزبان کردی

۱ تا ۲ بزبان فارسی

عصر - ۴ تا ۴/۴ بزبان فارسی

۴ تا ۵ بزبان کردی

کارگران را نشان می‌دهد: موصیالهم!

برنامه حزب کمونیست به کارگران نشان می‌دهد که هیچ نیرویی جز خودشان رهاننده آنها نیست و تا کدی می‌کند کارگران لفظ هنگامی آزاد خواهند شد که تشکیل شوند و ارتش متحد خودشان را بپوشند آورند و این ارتش را ستادی رهبری میکند که آگاه‌ترین، باتجربه‌ترین و محبوب‌ترین رهبران کارگران در آن گرد آمده‌اند و این ستاد و حزب کمونیست است.

برنامه حزب کمونیست به کارگران می‌آورد که آنها یک طبقه بین‌المللی هستند. متحدین آنها ارتش چند ملیتاری کارگران جهان است. به آنها نشان می‌دهد که آنها باید همان هدفتی را تسلیب کنند که تمامی کارگران جهان بدنیال آنند و پیوستگی و از کوشی نظام سرمایه‌داری!

برنامه حزب کمونیست هفتاد و هشتاد و نه سال از زمان مانیفست کمونیست - مبارزه کرده است. در دهه‌ها انقلاب مرتکب شده است. در کبوتن پاریس کارگران راه‌دایه کرده است. انقلاب اکبر را رهبری کرده است. حکومت کارگری برپا کرده است. ده‌ها و صد‌ها حزب و سازمان کارگری ایجاد کرده است. گاه پیروز بوده و گاه شکست خورده است و هر بار محکوم و استوارتر بر خاسته است.

برنامه حزب کمونیست سند هویت آن جهانی است که بی هیچ تعلیف و بدون پرده پوشی حکومت کارگری را هدف خود قرار داده است و اینکه این

پیش‌بسوی ایجاد حزب کمونیست ایران!



مصاحبه با رفیق فرهاد بشارت عضو

تشکیلات هواداران ا.م.ک در خارج کشور

● تقریباً اعمار خطایات جمهوری اسلامی در همه طبقات فحش انعکاس داشته است. رژیم ادعا میکند که اصحاب دروغ پراکنی های بنگای های وابسته به امپریالیسم است. ادعا میکند که مردم دنیا این دروغها را که از زبان دشمنانشان میشوند باور نمی کنند و معتقد است که مردم محروم در همه جای دنیا به جمهوری اسلامی بیعتی دارند. واقعیت چیست؟ آیا ادعای انقلابگری و خدا امپریالیست بودن این رژیم کسی را تربیت داده است؟ تطنی عمومی مردم اروپا از این رژیم چیست؟ بخصوص کارگران در این باره چه فکر می کنند؟

تاریخ تقریباً ۲ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تاریخ توهم زدانی تدریجی کارگران و زحمتکشان و کلا مردم ایران نسبت به این مرتجع ترین نماینده و دولت سرمایه داری است. در عرصه بین الطلی هم این دوران، دوران افتخار شدن تدریجی چهره حلیاتکار و ضد دیکراتیک این رژیم می باشد. اگرچه از قیام بهمن ماه رژیم جمهوری اسلامی بعد از وجود این توهم در اکثریت کارگران و زحمتکشان و همچنین در بیروتیستمانی طنی و یا ضمنی که حرایات خرد، بهرژوایی مانند معاهدین و فدائیان خلق و یا حرایات عد انقلابی بهرژوایی مانند حزب توده از آن بعمل می آورند می توانست در عرصه بین الطلی هم برای خود کسب وجهه کرده و حداقل ادعا نماید که

مردم ایران طرفدار این رژیم هستند، امروز دیگر چنین نیست. وضعیت گویای بی حد و حصر رژیم در سرکوب جنبش انقلابی و کارگری و کمونیستی و جنبش مقاومت خلق کرد و بویژه پس از ۳۰ خرداد در دستگیری و کشتار هزاران مبارز کمونیست و انقلابی به همین تریس و جوی به مردم ایران و جهان نشان داد که ارگان حکومت این رژیم بر قدرت سرنیزه و ارگانهای سازمان یافته سرکوب شکنجی است. رژیم در مورد وجهه بین الطلی اش صاف و پوست کنده دروغ میگوید. امروز در سطح جهان (با حداقل در اروپا و آمریکا) سبز مزد ایران سز سبده این با آن اورد و گاه امپریالیستی کسی نیست که از این رژیم خوشش بیاید و بسا جنبی نسبت به آن نظری بی تفاوتی به اشته باشد. نشت از این رژیم دیگر نه پدیدهای مختص مردم ایران بلکه جهانی است. موضعگیری اتحادیه های کارگری در سطح بین الطلی، سازمان مفسو - بین لطل، صلیب سرخ جهانی و احزاب گوناگون که هر یک تا حدی و به دلایلی بر طبقه رژیم انجام گرفته است خود گواه این مدعاست. امروز در عرصه بین الطلی وضع طوریست که هرگونه دفاع از این رژیم و تبلیغ منفی آن بلافاصله به سد خود یعنی افتخار میشود رژیم منجر میشود. حتی حرایات ضد انقلابی مثل اکثریت و حزب توده دیگر "منافع" خود را بر مکن گذشته در دفاع طنی از این رژیم نمی بینند. البته ذکر این نکته ضروریست که بی آبرویی رژیم جمهوری اسلامی در خارج صدتا بر مثنی از نقد اسان دستا به و لهرالی از رژیم صورت گرفته است. این در مورد کارگران اروپایی هم انجرا صادق است. جناح حب امپریالیسم در بلوک غرب با تقویت و برصصبت شراعتن اهوریسیمون بهرژوایی لهرالی طنی مقاومت و در درون آن معاهدین خلق (برای مثال توجه



کنید به نامه‌های تأهید آمیز و حمایت‌گراانه حزب سوسیالیست فرانسه، حزب کارگرد، روبرتو نیا و غیره از شورای ملی مقاومت (خود در طراح و پیوسته آوردن زمینه‌های نقد لبرالی رژیم در سطح بین‌المللی نقش اساسی و دمیین کننده داشته‌اند. طبعاً ما بعنوان هواداران ا.م.ک و برنسانه حزب کمونیست می‌باید افشاگری خود را از بهرروازی چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون بر اساس دموکراسی انقلابی رها ارائه آن بعنوان تنها آلترناتیو واقعاً دموکراتیک و انقلابی تصور داده و بدو هم. این تا حدی انجام گرفته است و احزاب و جریان‌هایی که تا حدی به اصول کمونیسم و منافع طبقه کارگر وفادار ماندند در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی، اردوگشا، دموکراسی انقلابی و در پیشانی آن جنبش کارگری و کمونیستی ایران را مورد حمایت قرار میدهند. ولی این کافی نیست. ما باید بتوانیم پشتیبانی وسیع بین‌المللی از جنبش همگانی انقلابی در ایران را بسیج کنیم. طرح‌هایی در دست داریم که مطمئناً ما را در این راه موفق خواهد کرد.

● باصفت‌زدن بحران جهانی سرمایه‌داری فقر و فلاکت شدید و بیکاری وسیع دامن کارگران و مردم تبعیدست‌آرینانی را هم گرفته است. دولتها در مقابل این مشکلات کارگران چه کردند؟

امروز در اغلب کشورهای جهان بهرروازی به راه حل‌های کلاسیک بحران منفع سرمایه‌داری پناه برده است. بازپس گرفتن دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبارزه طبقه کارگر، حلقه و وسیع و همه‌جانبه به سطح معیشت و دستمزد کارگران

و خانواده‌هایشان، توسل به شیوه‌های مهربان‌تر سرکوب، ملیتاریسم و نحوه غلط کلی آن سیاست عمومی است که امروز بهرروازی و دولتهای آن در سطح جهانی در تقابل با بحران و مبارزه طبقه کارگر به پیش می‌رود. اقداماتی از جمله کم کردن مالیات بر درآمد و افزایش مالیات بر ما بهیچ وجه مدافعاتی دستمزد کارگران بطور مطلق و بی‌شمار درحالی بسیار کمتر از نرخ تورم، محدود کردن عرضه پول و کم کردن خدمات دولتی، بالا بردن نرخ بهره بانکی، محدود کردن و در پارهای از موارد نفی حق انحصار کارگران با توسل به قانون، سرمایه‌گذاری‌های سنگین در زمینه بکارگیری تکنولوژی جدید الکترونیکی، کامپیوتر و روبات‌ها به قیمت اعراج و بیکاری میلیونی کارگران و زمینکنان، بکارگیری حربه اعراج در به تکنیک و بازاری کشاندن کارگرانی که هنوز شافل هستند، محدود کردن حقوق سیاسی و اجتماعی، برسمیت نشناختن و عدم ثبت تعداد زنان بیکار شده در آمار رسمی بیکاران، افزایش بودجه ارتش، پلیس و گنجه ارگانهای سرکوب و استفاده بیشتر از این ارگانها در سرکوب مستقیم و پلیس جنبش کارگری، دست زدن به سیاستهای ملیتاریستی در عرصه بین‌المللی، تماماً اجزاء این سیاست عمومی بهرروازی جهانی است. واضح است که پراکنده بودن صفوف طبقه کارگر در سطح جهانی، حاکمیت رژیم‌پریم و انواع و اقسام رژیم‌پریم برسد بیگانه و احزاب کارگری و نبود یک انترناسیونال لتینی که بتواند گنجه و نحوه مبارزه طبقه کارگر در سراسر جهان را رهبری کند، دست بهرروازی را در بکارگیری این سیاست عمومی تاکنون بازنگشته است از امریکا تا انگلیس و حتی، از بریتانیا تا المان و اوروپا و از لهستان تا ایران، در هر کدام تا درحالی که به اندازه‌ای میتوان نحوه غلطی از



به فکر کسب قدرت سیاسی از پیروازی نینداخته اند. در چنین شرایطی طبیعی است که طبقه کارگر فاقد برنامه، مانی تاکتیکی و حزب رزنده خودش باشد و با غن درد آن به مبارزات مقطعی گسسته از هم، محلی و ظاهری، شکست بخورد. شکست را تحمل کند. ولی از طرف دیگر خود این شکستها و ناتوانی جریانات رهیرونیست در ارائه آنترناتیو برنامه‌های تاکتیکی و تشکیلاتی بسوی مبارزه طبقه در این شرایط زمینه مساعدی را برای رشد جنبش طبقه کارگر بوجود آورد. از یک طرف مبارزات خود بخودی طبقه کارگر را اینها و آنها و محلی مواقع شکل غیر آرمیزمتوان، دید. در کمپهای مسلحانه کارگران جوان بیگار باهلیس دو بهین از ۱۲ شهر بریتانیا در تابستان ۸۱، مبارزات فهرمانانه کارگران فولاد دلزیک که منتهی به زد و خورد با پلیس در مقابل پارلمان بلژیک شد. مبارزات کارگران لهستانی که نقاب سوسیالیسم را چهره کرده دولت پوزوانی و شرایط داری دولتی در یمن، گراهانی برای بدعاهستند. در ایتالیا، حراسه و ترویز و آمریکا هم می‌توان نمونه‌های فراوانی از این قبیل مثال زد. از طرف دیگر وجود همین مبارزات، به روشنگری کشیده شدن جریانات رهیرونیست و منحرف خود بهترین زمینه رشد جریاناتی است که در مجموع به اصول و آرمانهای پرولتری وفادار مانده‌اند. جنبش سازمان‌یابی در اروپا وجود دارند و با اینکه تا حالا از نظر کمیت و درجه نفوذ در طبقه کارگر در ضعف بسر می‌برند ولی هم اکنون شاهد رشد این جریانات و طرح شدن سیاستهای آنان در

این سیاست صوبی پیروزی جهانی را دید. البته باید در نظر داشت که در کشورهای تحت سلطه مثل ایران دیکتاتوری و سرکوب می‌باشد و همه سیاست پیروزی بوده و حال آنکه در کشورهای مترقی مثل آمریکا و انگلستان قدم قدم دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبارزه طبقه کارگر در دستگیر کار قرار دارد.

● کارگران با این مسائل چگونه رهیرونیست شدند؟ آینده جنبش کارگری را در آنجا چگونه می‌بینید؟ در اروپا بوی انقلاب نمی‌آید؟

در بیشتر کشورهای اروپائی طبقه کارگر در یک حالت شوک ناشی از حلات پر دین پیروزی به سطح معیشت و دستاوردهای تاکسونی اش بسر میرود. همانطور که قبلاً هم اشاره کردیم حاکمیت اگونیسم و پارلمانتاریسم بر جنبش طبقه کارگر در اروپا این طبقه را از چند دهه پیش تا کنون مدتها درگیر مسائل خورد و ریزنده اقتصادی نگه داشته است بدون آنکه ارضیات این مبارزات ریزنده را با اهداف سیاسی طبقه یعنی سرنگونی حاکمیت پیروزی و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا بیان کند. بدون آنکه اولی را در خدمت دومی و اساساً به آن اعتبار تمرین کند و در دستور کار قرار دهد. و همان‌سبب مدد نمود جریانهای رهیرونیست "کمونیسم اروپائی"، رهیرونیسم مدرن و ترولتیکسم در جنبش کارگری اروپاست که نزدیک به تنگنای و تا درحالی که موطئه سازش طبقه‌ای، سلاح اجتماعی و عمده طبقه کارگر را حتی

اگر بنا کارگران اراده کنیم همه

چرخها از حرکت باز خواهند ایستاد

طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود.



مال جنگ ، تحزیه و تحلیل و سرمایه‌مداری شناختن کشور شهری حتی قبل از شروع جنگ جهانی دوم ، جایزه بر طیفه انحرافات کمیتسرن ، استالین ، تروتسکی و مائو را حیوان جزو نقاط قدرت این جریانات بحساب آورد . این جریانات محلت مشکلات بی‌درین که انقلابات دموکراتیک و رهاشدن در کشورهای تحت سلطه بمطابق رهبری جریانات کمونیت بر آنها نصیب پرولتاریای جهانی کرده است و نمونه‌های چین ، کره ، کوبا ، ویتنام ، کاسترو و غیره را بدست داده‌اند عموماً نسبت به جنبشهای امروزی هم در کشورهای تحت‌سلطه بدبین و گاه بی‌تفاوت هستند . کم توجهی به تئوری لنینی امپریالیسم و عدم درک گامی از تئوری مارکسیستی انقلاب دموکراتیک و حصول بی‌وقفه آن به انقلاب سوسیالیستی در کشورهای سرمایه‌داری عقب مانده و وقت طلب از یکطرف و کم‌بیا دان به مبارزات روزه اقتصادی طبقه کارگر در کشورهای مترقی از نقاط ضعف این جریانات بشمار میرود . البته جنبش کمونیتی در اروپا را میتوان به این جریانات محدود دانست . نمونه‌هایی از جریانات طرفدار آلمانی و چین (به اصطلاح خودشان بخدا ۳ قدم) هم وجود دارند که قدمهای مبسی در جهت اصلاح انحرافات گذشته و دستیابی به جهانی مارکسیسم انقلابی برداشته‌اند و حتی میشود در درین جنبش گروههای تروتسکیست هم جریان مبارزهای انقلابی بر طیفه انحرافات ماکم برسیاست و ایدئولوژی این گروهها را دید . از نظر درجه نفوذ در میان کارگران میتوان گفت صدتا بدلیل عدم وجود شرایط وسط و تعمیق مبارزه طبقاتی بویژه در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و همچنین سلطه رینونیسم بر بخش صدای از جنبش کارگری و کمونیتی بین‌المللی جریانات

سطح پیشروان طبقه هستیم . بنظر من الان افراق آسز خواهد بود اگر صحت از بوی انقلاب در اروپا بکنیم ولی بیخ وجه نماید این احتمال را در آینده نه چندان دور باید به گرفت و متلا شروع و احتمال وقوع یک انقلاب کارگری در اروپا را منوط به پیروزی انقلابات دموکراتیک و رهاشدن در کشورهای تحت سلطه نمود . بویژه اینکه در اروپا محلت وجود کانالهای ارتباطی فراوان ، نزدیکی جغرافیایی ، شباهت بودن مسائل اقتصادی و سیاسی ریز که طبقه ساآن برگر محلت در صورت وجود یک جنبش انقلابی در هر نقطه از اروپا سرایش به سایر بخشهای جنبش کارگری گامها ممکن و سریع خواهد بود .

● وضعیت جنبش کمونیتی در خارج چطور است؟ کمی در باره نقاط قدرت و ضعف کمونیتها ، انحرافاتشان ، درجه نفوذشان در میان کارگران بویجان صحبت کنیم .

اگر جریانات منحرفی که طیفاً "وصلا" پارلماناریسم و ترندیونیسم را به طبقه وسط میکنند و صلح اجتماعی و سازش طبقاتی ضروری میکنند سیاستهای روزه شان است را کسار یک اروپا در سطح اروپا حداقل نمیتوان جنبش کمونیتی را بفرودت نامید . کمونیتهایی که به آلمانها و اصول پروتزی وفادار مانده‌اند صدتا جریاناتی هستند که خود را ادامه دهنده سنتهای اقلیت انقلابی ای میدانند که در اوایل دهه ۲۰ با از کمیتسرن اخراج شدند و با خود انشعاب کرده‌اند . مبارزه بر طیفه پارلماناریسم ترندیونیسم ، عدم شرکت در جنگ امپریالیستی دوم و اشغال منابع انترناسیونالیستی و لنینی در



کمونستی تاکنون نتوانسته اند نمود قابل ملاحظه ای در میان کارگران بیابند. بیشترین نفوذ این جریانات در میان برخی از کارگران پیشرو و مبارز است. ولی امروز با تعمیق بحران جهانی سرمایه داری و وجود آمدن شرایط مینی تشدید مبارزه طبقاتی زمینهای رشد کمی و درجه نفوذ این جریانات در جنبش کارگری وجود دارد و حتی هواکنین ما تا حدی شاهد رشد آنها هستیم. در این شرایط ما نتیجه این جریانات را به ضرورت تدوین یک برنامه کمونیستی و وحدت بر اساس آن جلب میکنیم و تا حدی هم در این رابطه دخالتهای ما مؤثر بوده اند.

● آیا جنبش کمونیستی ایران یعنی جریان حزبی برای کمونیست های خارج شناخته شده است؟ آیا آنها به سائل ما توجه دارند؟ میگوید به باری آنها امید داشت ۲

جنبش کمونیستی ایران برای کمونیستهای خارج (عدتا" اروپا) تا حد نسبتاً زیادی شناخته شده است. ترجمه تقریباً همه آثار تاکنونی ا.م.ک و بخشی از آثار رفقای کومله به حداقل یک زبان اروپائی و انتشار آنها کمک زیادی به شناختن مارکسیسم انقلابی و سازمانهای کمونیست ایران به این رفقا کرده است. تماسهای حضوری و مکاتباتی با این جریانات کمونیستی در پی آمد انتشار این متون ترجمه شده و پس از مطالعه آنها توسط این رفقا به ما امکان دادند که جنبش کمونیستی ایران و دستاوردهای آن را در سطح نسبتاً وسیعی مطرح کنیم. امروز دیگر اسم ا.م.ک و کومله برای اغلب کمونیستهای اروپائی اسرا شناخته است. برخی از آنها از جنبش کمونیستی ایران تأثیر

قابل ملاحظه ای پذیرفته اند. به سائل ما توجه میکنند. رفتاری ما را به کنفرانسیهای بین المللی و کنگره های حزبی شان دعوت میکنند. بخشهای درونی جنبش کمونیستی ایران را به وقت دنبال میکنند و اخبار جنبش و دستاوردها بیشتر را در ارگانهایشان انعکاس میدهند. اسفند این کنفرانسیها و میزان روابط ما با این جریانات در اختیار رفقای ا.م.ک قرار گرفته و احتیاطاً در سطح جنبش مطرح خواهد شد. امروز جریاناتی هستند که خودشان آثار ا.م.ک را از یک زبان اروپائی به زبان دیگر ترجمه و منتشر میکنند. اطلاعاتی ما را تکثیر کرده و خود در محلات کارگری و کارخانها پخش میکنند. در فروش بعضی آثار ما کمک میکنند و کلاً نسبت به جنبش کمونیستی ایران احساس مسئولیتی رفیقانه و کمونیستی دارند. بطور من میفرد و باید به باری آنها امید داشت چه اینکه هم اکنون هم با توجه به مظلور کار کمی که ما در این زمینه انجام داده ایم این رفقا در اروپا پشتیبانی قابل ملاحظه ای از جنبش کمونیستی ایران کرده اند. البته بسط و تداوم این روابط در گرو فعالیت هر چه بیشتر ما در این زمینه خواهد بود.

● چه چیز باعث شده است جنبش کمونیستی ایران تا این حد طرف توجه نیروهای کمونیست در جهان قرار بگیرد؟

همانطور که گفتیم شکستهای پی در پی که در عرض ۳۰ سال گذشته نصیب پروتاریا و زحمتکشان در انقلابات دموکراتیک ملی و رها فیمش کشورهای تحت سلطه شده است، نمونه های چین، کره، ویتنام، کابوج و... تأثیر بسیار مخربی بر اذهان طبقه کارگر و جنبش کمونیستی در کشورهای مترویل گذاشته است. اینها در سالهای



۷۰ - مظاهر عظیم و وسیع در پشتیبانی از انقلاب و پیغام برآوردن استعدادهای و نیروهای عظیم انقلابی در طیف سیاستهای توسعه طلبانه و ارتجاعی دولت و پیغام برآوردن دلایل طرف توجه قرار گرفتن جنبش کمونیستی ایران هم آن خصوصیات است که جنبش کمونیستی ما و انقلاب ایران را از نمونه های فوق العاده متمایز میکند. تاکید کمونیستهای ایران بر ضرورت استیصال سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی بورژوازیها، حاکمان و نمایان بر طبقه بورژوازی کمونیستی و جهت، سرزندگی دقیق و روشن با بورژوازی بعنوان طبقه ارتجاعی در این مسیر، طرح و تثبیت یک برنامه کمونیستی بعنوان بهترین شعار وحدت جنبش کمونیستی و امروز گام برداشتن در جهت تشکیل واقعی حزب کمونیستی ایران، جنبی که از یک طرف انترناسیونالیست است و خود را متعاقب گردانی از ارتش جهانی طبقه کارگر در مبارزه بر طبقه بورژوازی می بیند. بر طبقه تمامی ملوک آمریکایی و بورژوازی در سطح جهان (چه غرب و چه شرق مدیترانه و سوسیالیسم) اعلام جنگ نموده و از طرف دیگر نیروهای تشکیل دهنده اش در یک مبارزه زنده و جاری طبقاتی، در یک انقلاب درگیر بوده و از پایگاه وسیع خود برای چه در میان کارگران و چه در میان زحمتکشان برخوردار است. حرکت و در حالت کومه در جنبش مقاومت خلق کرد و ارتقاء آن تا به سطح امپریالیزم، کسب صفت رهبری این جنبش، وجود هزاران پیغمبر که کومست در صفوف آن، پشتیبانی وسیع کارگران و نیرو و جوانان از کمونیسم و کومه در سایر نقاط ایران، در حالت کمیته ذوب آهن ا.م.ک در اعتصاب کارگران ذوب آهن که در چنین زمانی بر طبقه جنبش دولت بورژوازی سرکوبگرها محاسنه بود. همه و همه

صافلی است که نیروهای کمونیستی در اروپا از آنها مطلع گردیده اند و با علاقه سرنوشت این جنبش را دنبال کرده و محسوس می کنند از آن پشتیبانی کنند. فعالیت رفقای ما در سرزمین المانی، توجی که به وظایف انترناسیونالیستی بعنوان بخش مهمی از وظایف داخلی و پیشگامی کمونیستها جدول می آورده طرف توجه رفقای کمونیست میر ایرانی قرار گرفته است. ما توجه به این اوضاع کمونی دنیا و دستاوردهای تاکتیکی جنبش کمونیستی ایران من معتقد هستیم که تاریخ رسالتی بس عظیم را بر دوش بورژوازی ایران و جنبش کمونیستی آن در رابطه با ایجاب یک انترناسیونالیستی نین گذاشته به برخی از رفقای میر ایرانی هم بدین سطره واقف گشته اند و امیدواریم انتشارات زیادی از جنبش کمونیستی ایران دارند. منتظریم حقیقت و درستی ارگان و اصول حاکم بر برنامه حزب کمونیست بورژوازی بخش وظایف و عواطف های حوری به ایران محدود نسجوده و میتوانند و باید در تمامی کشورهای تحت سلطه توسط بورژوازی و زحمتکشان انقلابی و انقلابی عمل قرار گیرند. و مقام این دلایل امروز کم نیستند رفقای ایرلندی، بوسولای، ایتالیایی، فرانسیسی و هلمی و انگلیسی برنامه حزب کمونیست را قبول کرده و از آن در سرزمین المانی دفاع میکنند.

● منتظر شما رسیده و چشم انداز ایجاد یک انترناسیونالیستی نین وجود دارد ؟

بسط و توسعه مناسب سرمایه داری در سراسر جهان، وجود طبقه کارگر بعنوان طبقه ای جهانی و مدعی سوسیالیسم، وجود بحران دائمی تعمیق یافته که سراسر دنیای سرمایه داری را درمی نوردد، رشد و امتزای انقلابات دیوکراتیک، ملی و رها فیکش در بسیاری از



کارهای تحت سلطه عدده ریزانسون مبارزات کارگری در کشورهای متروپل و امپریالیستی - چهارزات مبرمانه کارگران لهستانی گسسه در اولین قدم از مبارزاتش جهه گریه سرمایه داری راه رهنس نظام دروسن سوسیالیسم در کشورهای بلوک شرق بهمانشی گذاشتنده. عزیزش و اصلاحی پارکسیسم انقلابی از ایران و وجود خریسات گمونیست در پاره ای از دیگر نقاط جهان بنظر من آن ماکتورهای هستند که زمینه و چشم انداز ایجاد یک انترناسیونال عین را کاملاً طمسوس میکنند. اگر شرط تداوم و پیروزی قطعی تمامی انقلابات عسری را محسود پرولتاریای سوسیالیست و رهبری یک حزب واقعی گمونیست بر آن میدانیم، در مرصه بین الطلی هم محسود آوردن، حط و گسترش دامنه این پیروزیها در گور موجود آمدن یک انترناسیونال لعینی بشاید معتاد رهبری کند، مبارزه جهانی پرولتاریا بر علیه سرمایه داریست. طبقه کارگر در سراسر جهان جاره ای جز وحدت بنشیندن به صفوف پراکنده خود و ایجاد یک انترناسیونال پرولتاریائی ندهد. سلفائی که در اینجا مطرح است بوجود آمدن یک حزب گمونیست قدرتمند در یکی و دوجمره مبارزه جهانی پرولتاریاست که بعنوان محور استخوان بندی سیاسی و تشکیلاتی و ثراخوانی دهنده تشکیل واقعی انترناسیونال باشد. اتحادیه گمونیستها در زمان مارکس و انگلس عملاً به اعتبار بنوع پیوستن انقلابات دیکرانیک در اغلب کشورهای اروپائی و نقسش مالی که گمونیستهای آلمانی در جنبش این انقلابات بازی میکردند شکل گرفت. کمترین هم

باز در زمانی که بحرانی عظیم سرمایه داری جهانی را دربر گرفته بود و انقلابی به سمت و جهت انقلاب روسیه در مش آن جریان داشت و بلشویسم در آن رشد کرده و جنبش لعینی، جنبش انترناسیونالیست، جنبش که هزاران کارگر و روشنفکر گمونیست در صفوفش و تحت پرچمش گرد آمده و هزارهائی و رهبری آن انقلاب را عملاً در دست گرفته بود بوجود آمدند، وجود چنین حزب سرورمند با چنان پایگاه نفوذ توده ای بود که توانست بوجود آوردن کمترین را در تقابل با انترناسیونال دوم سوسیال شوونیست و پیروزی شده از یک آرزو به یک واقعیت تبدیل کند. امروز هم بنظر من جنبش گمونیستی ایران یک چنین رسالتی دارد. مساجله که مارکس توجه ویژه گمونیستهای انترناسیونالیست را به انقلاب آلمان طلب میکند و لیس و بلنویچکها از درین انقلاب روسیه ندای تشکیل انترناسیونال راخوبی میدهند، ما هم میبایستیم، سوظنهم که اهمیت انترناسیونالیستی انقلاب ایران را برای پرولتاریای جهانی توضیح داده و حزب گمونیست ایران را بعنوان یکی از آن سوره های واقعی که انترناسیونال میتواند به فراخوان آن و بر گردد برحم آن شکل گیرد تبلیغ کنیم. البته باید اصصاً یک نگاه را خاطر نشان کرد که تشکیل انترناسیونال را نباید شرط نه وجود آمدن حزب گمونیست در تمامی کشورهای دنیا دانست. امروز جنبش در میان گمونیستهای اروپائی درگیر است بر این مصیبت که آنها باید بگریه و بلا واسطه در پس بوجود آوردن حزب اعس بین المللی حداقل در محدوده هند گسره اروپائی باشند و

زنده باد انترناسیونالیسم پرتوتری!



ایران و ا.م.ک نشان داده حزبی است بنام " حزب کمونیست انترناسیونالیست " که ارگانی سیاسی تبلیغی بنام " بنود کمونیستی " هر دو هفته یکبار منتشر میکند . تاکنون در بیش از ۶ شماره از ارگانش راجع به جنبش کمونیستی ایران و نظرات ا.م.ک مطالبی درج کرده است . جزوه اول ماه مهر و وظائف کارگران ایران را محمودشان از انگلیسی به ایتالیایی ترجمه کردند و بعنوان ضمیمه مخصوص نشریشان بین کارگران ایتالیایی پخش نمودند . حزبانی است در بریتانیا بنام " سازمان کارگران کمونیست " که نشریه‌های بنام " صدای کارگر " منتشر میکند . این سازمان در رابطه تنگاتنگ با حزبان فوق‌الذکر کار می‌کند و مناسبات برده‌یکی با رفقای ما در بریتانیا دارد و در دفاع و تبلیغ جنبش کمونیستی ایران - ا.م.ک و کمپارت فعالیت نسبتاً زیادی نموده است . هر فرانسوی با حزبانی بنام " حزب کمونیست بین‌المللی " که نشریه‌های بنام " پرولتر " دارد در ارتباط بودیم و ایمان در ترجمه و ادبیت آثار جنبش کمونیستی ایران به رفقای ما کمک می‌نماید . این رفقار کمپنه دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد نیز پشتیبانی کرده‌اند . البته در این حزبان اخیراً اشخاصی صورت گرفته که از ظل اشعاع و میانه‌های متعصبین الملاح و همیغی فعلاً در دست نداریم . در ارتیش با حزبانی بنام " سیاستهای کمونیستی " ارتباط داریم . در ایتالیا با دو حزبان دیگر بنام " محفل لیس " و " گروه لنینیست " در ارتباط هستیم که رفقای همدار و کومهله بیشتر با آنان در تماس هستند و اخیراً کمپتهای برای دفاع از انقلاب ایران در ایتالیا متشکله درست کرده‌اند . دیگر حزبانی است بنام " حزبان کمونیست بین - المللی " که نشریه‌های بنام " انقلاب جهانی " منتشر میکند . این حزبان برای اولین بار یکجسی از

تعداد اتحادیه کمونیستهای ۱۸۵ بیشتر نبود نظریات آن همانند . در موقع تشکیل کمپترن هم فقط دو حزب کمونیست واقعی در جهان وجود داشت - منظور حزب بلشویک و حزب کمونیست آلمان است - و در باقی نقاط دنیا ما هیچ حزبان کمونیستی وجود نداشت و با سازمانها و گروههای کوچکی بود که نمیدانیم یک حزب واقعی را بر آنها نهاد .

● نزد کمپترن جریانها و سازمانهای کمونیست به مارکسیسم انقلابی در ایران کدامها هستند؟ منظور اینست که ما داشتن چشم‌انداز ایجاد یک انترناسیونال نویس و لحنی روی چه جزوه‌هایی مایند حساب کرد؟

در جواب - اول باید خاطر نشان کنم که مطالعه و تحقیق ما در جهت شناسایی حزبان است و قادریم اصول کمونیسم در هر صده بین‌المللی در قدمهای اولیه است و بهیچ وجه نمیتوان حوات این سوال را محدود به حزبانی که تاکنون شناسایی کرده و با ایشان ارتباط برقرار کرده‌ایم دانست . امروز در سطح بین‌المللی حزبان کمونیست متعددند و وجود داریم با در حال شکل‌گیری هستند که ما فعلاً اطلاعات دقیقی در موردشان نداریم . ما بیشتر تاکنون با حزبانانی در اروپا تراخته‌ایم ارتباط برقرار کنیم که خود را منبند به اقلیتهای انقلابی در درون انترناسیونال ۱۹۱۹ و ۲ میدانند . ما هم‌اکنون با بیش از ۱۵ حزبان متعلق به این طیف در سطح جهان ارتباط داریم . متغیبه‌های این حزبان را در جواب به سوالات قبلی تا حدی بیان کردم . در این طیف کمونیستهای ایتالیایی سوسیزه دارای اهمیت زیادی هستند . در ماسی که تاکنون بیش از همه علاوه و حساسیت نسبت به جنبش کمونیستی



کارشان فرار دادماندگرمی بیشتر و کار بسیار زیادی را می طلبند ولی در همین حدی هم که در اینجا من اشاره کرده ام می بینیم که نیروهای زیادی در سطح بین المللی وجود دارند که در ارتباط با ایجاد یک ائتراضیونال بین لنینی می شود رویشان حساب کرد . البته اینس بدین معنی نیست که همه این جریانات آن نژاد و صداقت کمونیستی را خواهند داشت که بتوانند بعنوان بخشی از امرای تشکیل دهنده " ائتراضیونال صل بکنند . ولی تدمیق شناسایی از این جریانات ، سازمانها و نیروهای جدیدی که میشود در سطح بین المللی بازساخت از یک طرف و معرفی و تبلیغ دستاورد های مارکسیسم انقلابی و جریان جزئی در ایران از طرف دیگر بویژه پس از تشکیل حزب کمونیست امکانات ما را دقیق تر و واقعی تر در رابطه با تشکیل ائتراضیونال نشان خواهد داد . ائتراضیونالی که ایجادش وجهه تش به از تکرار تجربه " کفرا س وحدت " خط ۳ قدیم ایران بلکه از گانال بحث و وحدت سیر روی اصول و نکات برنامه ای و تاکتیکی پرولتری و وحدت عمل هر چه وسیعتر در زمینه " براتیک روزمره " طبقه " کارگر جهانی میگردد .

● خوب آ کی هم درباره کارهایی که رفقای ما در خارج کشور انجام داده اند صحبت کنید ؟

اطلاعه های ا.م.ک را به انگلیسی چاپ نمود و مارادرتنا را بخند جریان دیگر قرار داد . ولی بی توجهی کامل این رفقا به مبارزات کارگران و زحمتکشان در کشورهای تحت سلطه و عدم درک لنینی از امریالیسم و مسئله تشکیل حزب و مسیر تفاوت نظرهای قبایل توحیمی را با جنبش کمونیستی ایران بچود میآورد . در بلژیک گروه کمونیست ائتراضیونالیست " اخیرا با ما تماس گرفته و تقاضای ارسال نشریات ا.م.ک را نموده است . علاوه بر اینها گروه های دیگر از این طیف در سوئولا ، آمریکا ، هنگ کنگ ، آلمان و ... نیز وجود دارند . در بین جریانات سابقا طرفدار چین و آلمان که امروز " انقلاب مرهنگی " چین را یک دستاورد برای پرولتاریای جهان میدانند ولی کوششهای حدی را در معرفی انحرافات گذشته بعمل میآورد میتوان از " حرم مارکسیست - لیست " آلمان اسم برد . رفقای ما در آلمان با ایشان در تماس هستند و این حزب قبول کرده بود که خبر اعتصاب ذوب آهن اصفهان را در نشریه اش درج نماید . از همین طیف میتوان اشاره به جریانی موسوم به " گراهی بلشویکی " نام برد که در چندین کشور آمریقای فعالیت میکنند و با رفقای ما در فرانسه در تماس هستند . نام برون و معرفی کلیه جریانات و سازمانهایی که امروز هر کدام به گونه ای سعی در شناسایی و نفی انحرافات گذشته کرده و دستبسی به برنامه و تاکتیک پرولتری را در دست

را بدست
کارگران
برسانند



" برنامه "
حزب کمونیست
را بخوانید و در کشور و نژاد بیچ کن بگوشید



رفقای ما در آلمان اولین هواداران فعال
 ا.م.ک. و مارکسیسم انقلابی در خارجه بودند.
 از همان زمان انتشار جزوه "خطوط صده" این
 رفقا با تکثیر و پخش آثار ا.م.ک. و سایر حریمات
 مارکسیسم انقلابی در خارج ایران نقش تعیین
 کننده ای در بوجود آوردن آنچه که امروز می توان
 هواداران ا.م.ک. در خارجه نام گذاشت
 داشتند. با پیوستن رفقای از پروتانیاه
 فرانسه، سوئد، ایتالیا و آمریکا به صفوف
 هواداران ا.م.ک. در خارج حل مسئله فعالیت
 با برنامه، متشکل و متمرکز در دستور کار ما قرار
 گرفت.

پس از تدوین یک برنامه مبارزاتی اولین وظیفه
 ما سازماندهی هواداران ا.م.ک. در خارج حول
 یک چنین برنامه مبارزاتی بود. این امر تا حد
 زیادی انجام گرفته است و امروز در پرتو انتقاد و
 رهنمود رفقای کمیته مرکزی ا.م.ک. در قیامت و
 اصولی تر شده است. حرکت در جهت شناساندن
 دستاوردهای مارکسیسم انقلابی در ایران به
 جنبش کارگری و کمونیستی بین المللی و جلب
 حمایت مادی و معنوی آنان یکی از اصلی ترین
 وظایف ما بوده است. در این زمینه توفیقات
 نسبی حاصل شده. ترجمه تقریباً کلیه آثار
 تئوریک و سیاسی تالکونی ا.م.ک. و بررسی از
 آثار رفقای کمیته عدل به یک زبان اروپائی،
 تماس با حریمات کمونیستی و انقلابی در سطح
 بین المللی و ایجاد دیا لوگ با آنها بخشی از کارهای
 ما را تشکیل می داده است. تماس با تعداد زیادی
 سازمان و جریان کمونیستی و انقلابی در سطح
 جهان حاصل این بخش از فعالیت های ما است.
 مسئله دیگر شناختن خود این حریمات بود که در
 این زمینه هم کار نسبتاً متمرکزی انجام شده و گزارش
 فعالیت های رفقای ا.م.ک. ارائه شده است. در زمینه

اشاگری از رژیم جمهوری اسلامی از همان ابتدا
 فعال بودیم و در زمانی که خیلی جنبش های
 سیاسی نقل هواداران معاهدین و فدائیان
 خلق در سطح بین المللی بخصوص از رژیم
 پشتیبانی میکردند رفقای ما بیشتر اشاگری از
 این رژیم بودند. دفاع از جنبش مقاومت خلقی که
 از همان اولین لحظه به سنجش و افشاگری از
 جنایات های رژیم در آنجا، بوجود آوردن
 کمیته های همسنگی با جنبش مقاومت خلقی که
 در کشورهای مختلف منطقه آلمان، فرانسه و
 پروتانیاه، اشاگری از سیاست های رژیم در جریان
 اشغال سفارت آمریکا، جنگ ایران و عراق،
 بستن دانشگاهها و سرکوب دستاوردهای پیام
 بخشی دیگر از وظایف ما بوده است که در انجام
 آنها کوتاهی نکردیم. آنها پیوسته بین المللی
 رژیم منطقه شورای ملی مقاومت و تبلیغ مکرر
 به گور بر بلژی، بعنوان تنها آلترناتیو واقعا
 انقلابی و دمکراتیک بهره پس از ۳۰ مرداد ۶۰
 جز "مکمل اشاگری ما از رژیم جمهوری اسلامی
 بوده است. منظور من در زمینه جنبش پشتیبانی
 مادی و معنوی از جنبش همگانی انقلابی در
 ایران ما می توانستیم بسیار فعال تر باشیم و به
 این بخش از کار ما انتقاد وارد است که امیدوارم
 در آینده نزدیک صحیح شده و با عا د لازم خود
 را باز یابد. جمع آوری کمک های مالی برای
 ا.م.ک. و کمیته تا حدی انجام شده و در زمینه
 تهیه مدارک برای جنبش کمونیستی هم آنچه
 که در توانمان بوده انجام دادیم. فعالیت
 در پشتیبانی از جنبش های دمکراتیک و ضد -
 امپریالیستی مانند جنبش ایرلند، ترکیه و فلسطین
 کمک نمود تا عواملی های رژیم را در پشتیبانی
 از این جنبشها در سطح بین المللی بخشی
 نمایم و به این وظیفه آلترناتیویستی ما پاسخ
 بده در صفحه ۳۷



۱۰۰ نفر

بهبود زیربنا و بنیاد ضروریات

اما بیوس که گفته این جنگ طبقاتی و میخانه است در وقت طبقه کارگر در لحظه فعلی و شرایط حاضر برای پیشروی پرولتاریا را روشن تر سازد - کسانی است تنها نگاهی کوتاه به وضعیت پرولتاریا در مسائل جاری - از آغاز تا کنون - بیوسم ۵۰ در سال جاریه رژیم جمهوری اسلامی و مخالفان پلیسی بر جامعه و فشار سیاسی بر پرولتاریا را تا نهایت سکن افزایش داده است - بیوسر صبح به جنبش کمونیستی و کارگری احیاء نوبق الهامده و حیوانه ای یافته است و صبح وسیع بازگشته و آهنگ کمونیستها و کارگران پیشرو با شدت افزاینده همچنان ادامه یافته است - رژیم جمهوری اسلامی در طی این دوره تمام قدرت و توان خود را در خدمت سرکوبی پرولتاریا و بنا بر روی جنبش کمونیستی به خدمت گرفته است و تویل یافته است تا ضمیقاتی صحت بر جنبش کمونیستی و تشکیلاتی پرولتاریا وارد سازد - در این دوره و طهریم شرایط اختیاتی فریون وسطایی - که تاریخ دوره نوین کشور تطخیر شده است - و طهریم تمام لطمانی که به پرولتاریا و پیروانها گن طبقاتی او وارد آمده است - پرولتاریا نه تنها دست از مبارزه نرفته و بلکه در آرزو یا تصمیمی است - بلکه مواضع صدهای او را از سروراه مبارزه طبقاتی خود برداشته است و با تصحیح سنگرهای جدید طبقاتی به بلزومات تعیین کند تا برای پیشروی بسوی هدف نهایی خویش - در پیکتوری پرولتاریا و استقرار سوسیالیسم - دست یافته است - در همین دوره است که کنگره سوم کومکله تشکیل میگردد - دستاورد تاریخ ساز این کنگره برنامه حزب کمونیست است - با برنامه حزب کمونیست به دوره شفتت اپد لولونیک و سیاسی در درون جنبش کمونیستی به سرانجام میرسد - پیشنها و سیاستهای خرد و بورژوازی تحت نام و پوشش مارکسیسم طسرد

میگردد و دوره رونق - خاکش و اسحلال روی بیوس پرولتاریستی در صوم جنبش کمونیستی بهایان موسد - سرچم استقلال اپد لولونیک - سیاسی طبقه کارگر در برابر تمام احزاب و جرمات بیوسرورتی افراشنه میشود -

با برنامه حزب کمونیست - سنگری تعیین کند به فتح پرولتاریای ایران در میانه و دوره ای سوس در حیات جنبش کمونیستی ایران آغاز میشود دورهای بازگشت ناپذیر از دوره ای که تمام لشکرکشی ها وجد و جهد بورژوازی بر طبقه پرولتاریا و صدها صرریه پلیسی به کمونیستها و جنبش کمونیستی نسبتواند آن را به خط بازگرداند - دوره ای نوین که راه پیشروی بعدی پرولتاریا و فتح سنگرهای جدید طبقاتی او را هموار میکند - احیای شیوه های کمونیستی مبارزه و تشکیل حرب کمونیست ایران!

بدنیال کنگره سوم و درست در همین دوره - کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست تشکیل میگردد - دستاورد عظیم این کنگره دستیابی به تئوریاتی تشکیلات و شیوه های مبارزه حزبی است با دستیابی به مبانی برانیک و تشکیلات کمونیستی - به خاکش ده ها سال سبک کار پرولتاریستی در صفوف کمونیستها و جنبش کمونیستی ایران پایان داده میشود و چکوشی احیای متن و روشهای ویژه برانیک و تشکیلات کمونیستی و طریق دست یافتن به هویت کامل کمونیستی در تمام وجود مبارزه عالی و در مقابل و گشت گام از روش های بورژوازی و خرد و بورژوازی تثبیت میشود - احیای میراث و متن بلشویسم - سنگر دیگری به فتح پرولتاریای انقلابی در میآید و کلید تشکیل علمی حزب کمونیست بدست میآید -

درست در همین دوره میگردد - شکیبه و کشتار بی حساب و رهب و وحشت سراسری پرولتاریای انقلابی ایران سلاح خود را حادای کرده است و بلزومات نظری و عملی تحقق آرمان ۵۰ ساله خود



تهدید شده است. برنامه حزب کمونیست ایران سرود تا بنیادی داورى اصالت کمونیستی جرماتیات مارکسیسم انقلابی در سراسر جهان قرار گیرد و پرولتاریای ایران سرود تا به پرچمدار پرولتاریای جهانی و مرکز پایه گذاری انترناسیونال نوین لنینی بدل گردد.

بحرین حکمت نیست که تمام بلندگوهای امپریالیست لنینی غیر سرخه تشکیلش به نیروهای برنامه حزب کمونیست ایران را انکار می‌کند. پس حکمت نیست که لنینی در سخنرانی‌هایش از «پروژوازی امپریالیست گلایه میکند که چرا در پاسخ به چنین خدش عظیم به پیشگاهش تبریک نمی‌فرستند» بی حکمت نیست که سودسته سپاه پادشاهان زمین پادآوری این نکته به پروژوازی که «اینان قصد وحدت و گرد آوری کلیه نیروهای کمونیست را داشته اند» با لای و گزارش بر اهمیت کار مرکز کمونیست ایران دولتی تکیه میکند و ضد شکاری رژیم امپریالیسم جهانی را پیشتر میگرداند.

اینجا دیگر پای خصومت آخوند های سرخچ و «توربینهای بنافش» در میان نیست. اینجا دیگر جنگ و گریز پرولیتاریای روهنگته و منبهم پنا جمهوری تا دندان مسلح اصلاحی در کار نیست. اینجا پای جنگ پنهان طبقه و آید بدگی پرولتاریا در این جنگ و تأثیر تردیدناپذیر دستاوردهای حال و آینده مبارزه امپریالیست پرولتاریای جهانی در میان است. اینجا دیگر پای همه نیست نه تنها رژیم جمهوری اصلاحی بلکه کل نظام پروژوازی در میان است.

مخمن رضایی با رجزخوانیهایش فقط وحشت خود را به نمایش گذاشته است. وحشت از قدرتی که در حال تکوین است. او لبرالها را سرکوب کرد. است. جاهدین را کشتار کرده است و سازمانهای پرولیتاری را به نابودی کشانده است ولی پرولتاریا

پس تشکیل حزب کمونیست ایران را هموار ساخته است. حزبی که تحت پرچم واحد پرولتاریا - برنامه حزب کمونیست - و با شیوه ها و روش های تنگی به اهداف برنامه ای پرولتاریا به تخریب در صفوف پرولتاریای پیشرو خاتمه خواهد داد. صفوف مبارزه پرولتاریا را در کلیه وجوه تشکل و هدایت خواهد ساخت و پیگیری و ادامه کاری مبارزه پیروزنده تاکس قدرت سیاسی بدست پرولتاریا و استقرار سوسیالیسم را تضمین خواهد نمود.

پروژوازی های دوران ساز و بازگشت ناپسند پسر پرولتاریای ایران تعدادی حادث نموده است. احیای لنینیسم در نظر و عمل و تحق ملزومات تشکیل حزب کمونیست بر بستر چهار سال مبارزه طیفانی صورت گرفته است. ۱۰ سال مبارزه طبقاتی شدت یافته ای که زمینه ساز پیروزی پرولتاریا جوی اهداف و سیاستهای مستقل طبقاتی خواهد بود. است و تلاش نخستگی ناپذیر و مبارزه پیگیرنده نیست. مارکسیسم انقلابی بر طبقه حاکمیت نظری و عملی خود پروژوازی بر جنبش کمونیستی و آنرا تشکل ساخته است.

پرولتاریای ایران مشابه گردانی از پرولتاریای جهانی نخواهد یافت. اصالت تا نتایج بحران سراسری حادث و صیقل پروژوازی جهانی را تا حد یک انقلاب عظیم در ایران تجربه کند و در دل این انقلاب کمونیسم رهایی بخش کمونیسم باقیبست را هم در نظر و هم در عمل از زیر سلطه روزنیسم جهانی آزاد سازد.

پروژوازی های دوران ساز پرولتاریای ایران پسر پرولتاریای جهانی که بر زمینه بحران امپریالیسم سرخه جا در حال برآمد است و در همه جا در تلاش احیای کمونیسم از زیر آوار حاکمیت دهها ساله روزنیسم آمده از هم اکنون به دستاوردهای ارزشمند طبقاتی و منگر های پیشروی طبقاتی



مبارزه پیرویشی از بستر روابط واقعی اجزای سه تنها نمیتواند کثرت پیوسته علی را در امر تفکلی و رهبری مبارزه پرولتاریا موجب شود بلکه خود زمینه‌ساز بهترین شرایط سیاسی و کارایی و گسترش مایعین شرایط است. پیروزی کثرت و مصلحتی که مایعیه چهاره ناپذیر چنین تفکلیاتی است، تفکلیات جدا از طبقه را آماج شرایط سیاسی قرار میدهد و اثرات منتهی شده در تفکلیات "در خود" را به شکست و نیستی میکشاند.

در این مورد هم مصلحت پیرویشم و مصلحت کار پیرویشی بر چنین کثرتی بهترین لطافت را به مبارزه پرولتاریا موجب شده است.

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون کوشیده است شکست و "تلاش" سازمان های پیرویشی را به حساب شکست و ناپودی مبارزه کثرتی بگذارد و جبهه مایعین رهبران جبهه پیرویشی را به پای کثرتیسم بنویسد.

این کثرتیسم نیست که در این میان از یاد رفته است. این خود، پیروزی است که زیر فشار مبارزه طبقاتی نهفته است و مبارزه مصلحتی آثار مصلحتی است. شکست و بی اعتباری کشیده شده است. مایعیه مصلحتی و این سرانجام مصلحتی را در همان دوره رونق جبهه پیرویشی به مصلحت پیرویشی گرفته است. کثرتیسم مایعیه و باعزیز استوار پیش آمده است و امروز در یافته است که حتی جبهه مبارزه از تنها جبهه سیاسی در گرو شکست کامل طبقاتی از خود، پیروزی مصلحتی کامل مصلحت کار پیرویشی و اختناق مایعیه های کثرتی مبارزه است.

شرایط اخیر وارد بر سازمان مارا نیز نمیتوان به

پای آگاه و در حال تفکلی را در مقابل غیر مایعیه است. این مصلحتی از آینده است. مصلحتی که سر پیوسته نیروهای برنامه حزب کثرتی در سال جاری آنرا موجه مبارزه و طیف تمام ناکامی های کثرتی است. در این دوره آینده مصلحت پرولتاریای فاتح را به دیدن پیروزی رژیم اسلامی افشاکند. اما اگر مایعیه رژیم در انعکاس خبر مصلحتی تفکلیاتی به نیروهای طرفدار برنامه حزب مصلحت قدرت آینده مایعیه خود این شرایط نیز بیانگشای مبارزه گذشته مایعیه مبارزه ای که مصلحت مصلحتی و مصلحتی کثرتی در پراتیک و سازماندهی خود بوده است. مبارزه ای که از نظر سیاسی به مصلحتی و مصلحتی و از نظر تفکلیاتی به یک طبقه مصلحتی - پرولتاریا - منتهی نموده است. مبارزه ای که هدف خود را سازماندهی و هدایت پرولتاریای همواره مبارز قرار نداده است بلکه کمال موجودیت مبارزه مصلحتی در خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جنبه و گریز سازمان جدا از طبقه سیاسی مصلحتی را مصلحتی مصلحتی است: مبارزه ای پیرویشی و با مصلحت کار پیرویشی!

گذر اول اتحاد مبارزان کثرتی این انحراف مصلحتی علی و تفکلیاتی از مبارزه مصلحتی را به تفصیل مورد بررسی قرار داد. گذر ما بر مصلحتی و مصلحتی به مصلحتی پراتیک و تفکلیات کثرتیسم و راههای طبقاتی با مصلحتی مصلحتی را نیز بطور ویژه مورد بررسی قرار داد و به دستاورد های ارزشمندی که حاصل ادامه کاری مبارزه و انجام صفوف مبارزه تحت شرایط ترین شرایط مصلحتی است دست یافت. گذر ما در این زمینه به این نتیجه رسید که مصلحت جدا از طبقه تفکلیات پیرویشی و مصلحت جدا ای

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



اداره مطبوعه با تحقیق ضرورت . . .

داده باشیم. امروز با پیوستن رفاقتی از سوئد، ایتالیا و آمریکا بصفت ما و تدوین برنامه و بلاخره همکاری بهمنار نزدیک با رفاقت هواداران کوشه در خارج آسپه و آریه که بدستیار هواداران پیروهای برنامه حزب کمونیست در سطحی از سینهها فعالیت بسیار گسترده تر و ضرورتی و هماهنگ دانسته و بتوانیم خصم کمونیستی و انقلاب کمونی ایران را هرچه بیشتر در سطح بین المللی معرفی کرده و دامنه ارضیات با جریانات کمونیستی را وسیعتر سازیم. در خانه صحبتهای بسیار گوی از طرف هواداران ا.م.ک. ربه بیات از طرف رفاقتی هواداران کوشه در خارج به تمامی کارگران و مبارزین کمونیستی که امروز در صفوف نیروهای برنامه حزب طبقه سرمایه داری می شنوند درود می فرستیم و خاطره تمامی جان باختگان راه سوسیالیسم و کمونیسم را گرامی می داریم.

زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست!

یک توضیح کوتاه :

اداره مقاله ناتمام "موج کمونیستیا" در قبال ساله زنده در کارگر کمونیست چاپ نخواهد شد. امیدواریم در آینده همه این مقاله به صورت جزوای جداگانه منتشر شود.

حساب کمونیسم گذاشت. ضربات اخیر سازمانی ما و میراث ضعفهای گذشته ما و فعالیت ناعی از فعالیت پیروییستی گذشته ما و کاره دوری ما فعالیت گذشته ما از جانب برانته و تفکیرات کمونیستی است. بگذر از پیرواری و حارسه اصلاحی ای شکست پیرویسیم و شاید ما و الام پیروییستی مبارزه گذشته ما راه حساب ضعف کمونیسم و قدرت غیرمیکنند آرند و آنرا مرده بکنند. تاریخ نهی مبارزه پرولتاریا تازه آغاز شده است!

در شرایطی که تمام نیروها به حساب افتاده اند پارتنیسم انقلابی بالنده و نخستن ناپدید آستانه تشکیل حزب کمونیست ایران پیدا کرده است. آنچه در این راه پرولتاریا از دست داده است براساسی حاصلی است: صدها و هزاران جان باخته کمونیست دهها هزار زندانی سیاسی کمونیستی صدها ساعت و لحظات غیرالعامه دستگیر. آیا طوریست تمام این حساب پرولتاریا استوار و خلل ناپذیر ما و مبارزه های زمین کننده در امرهایی قطعی همیشه بیشتر آمده است و همچنان به پیش خواهد رفت. وحشت رژیم در اصلاحی غیر نرسه تفکیراتی به نیروهای حزب کمونیست است. آن چیزی است که هم اکنون هستیم و خصوصاً از آن چیزی است که در آینده، میتوانیم با هم بگذریم حضور اصلاحی و پیرواری امپریالیست از انقلاب کمونیستی برود. پرولتاریا جهان را به چنگ خواهد آورد.

بهرام صبا

زنده باد بلشویسم!



بختی پیرامون ضروریات اخیر رژیم به نیروهای برنامه حزب و حشت رژیم از چیست؟

خبر ضرب و تفتیشی به نیروهای برنامه حزب کونیست (کومله و ام.ا.ک) از جانب رژیم جمهوری اسلامی با عیاوی بسیار منتشر شده است و راه بروهای کشورهای امپریالیست نیز این خبر را بسیار صورت تکرار کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی برای افزودن به شهر و شوق سرافروزی رژیم امپریالیستها و برای خاطر نشان ساختن ظلمت طبقاتی خویش در خد شکرگزاری به امپریالیسم هر چه بیشتر بر بجزال حادثه افزوده است. ابعاد واقعه را می بینیم و صحت جلوه داده است و آن را بصورت شاهکار خویش عرضه کرده است.

گذشته از تمام دروغها و لافزنی ها و جرم خواهی های دولت ما ضربه تفتیشی به اتحاد مبارزان کونیست را تا به حد میکشند. رژیم جمهوری اسلامی بوقی شده است تا علاوه بر لطافت پیشین این بار هم به لطافت دیگر به سازمان ما وارد آورد.

پوشش به سازمان های کونیستی و دستگیری و شکنجه و اعدام کونیستها و از جانب رژیم که نفوذ وجودی آنرا نابودی انقلاب ایدئولوژیک هر گونه حقوق دموکراتیک و تهاجم همه جانبه سیاسی و اقتصادی به طبقه کارگر می سازد و در این راه نهایت وحشیگری و زلالت بورژوازی صر حاضر را در حکومت خویش کرد آورد است. امری است بد چنین و جای هیچ گلاهی ای هم نیست. این عرصه ای اصلی از یک حاکم طبقاتی مظهر است. جنگ طبقاتی و طبقه اصلی جامعه: بورژوازی و پرولتاریا جنگ بورژوازی به بن بست رسیده و مختصری

هر گونه آزادی ضربه و میان هر گونه آزادی تسخیر و تفتیشی خلاصه هر روز به دموکراتیک را در حد حساب آگاهی و تفتیشی پرولتاریا و بر طبقه خویش به حساب می آورند. در با تمام نوا به سواد دموکراسی و اعمال بی حقوقی قابل سیاسی بر مردم و گفتار پیستروان و رهبران طبقاتی پرولتاریا بر حاشیه است. بر طبقه پرولتاریا می که به تدریس وجود شده بدترین تفتیشات سیاسی و وحشیانه ترین شرایط اختلافی و سرکوب و یک به هم از مبارزه دست میکشد است. پرولتاریا می که در حین مبارزه بی وقفه طبقاتی اش اهداف و طریق مبارزه پیروز شده فارسی خود را شیفته است و در صدمه انبساط صفوف مستقل طبقاتی خویش برای نابودی بورژوازی و رهائی قلمس خویش است.

این یک جنگ طبقاتی عظیم است و ضرورت شکست پیروزی های برنامه حزب کونیست فقط گوشه ای و قلمس از این جنگ را نمایندگی دهد. گوشه ها و مقاطع جنگ هیچگاه سرنگون جنگ را تعیین نمیکنند. جنگ طبقاتی بورژوازی لیست و پرولتاریای ایران که گذشته ای دارد و آینده ای خواهد داشت سرانجام این جنگ و پیروزی مضمون پرولتاریا در این جنگ طبقاتی را عظیم کسبیم در مس ساخته است و به تدریس آن را اثبات کرده است. آینده مبارزه طبقاتی در ایران و پیروزی تاریخاً انتخاب نابود پرولتاریا را یکبار دیگر در ایران اثبات خواهد نمود.

بخیه در صفحه ۲۴

کارگران جهان متحد شوید!